۷۹ ـ ۱۱۷

الگوی تنبیه بر اساس آیات قرآنی و سیرهٔ علوی در سازمان‌های آموزشی

دکتر محمد عبدالرحیمی* دکتر حیدر سهرابی**

چکیده

یکی از روش‌های ادیان آسمانی برای تربیت انسان و اصلاح مسیر حرکت او «تنبیه» است. در محیط‌های آموزشی و حرفه‌ای نیز تنبیه راهکاری برای اصلاح مسیر متربیان و کارکنان و دست‌یابی به اهداف سازمانی است. با توجه به وجود سازوکار تنبیه در محیط‌های آموزشی و حرفه‌ای و بروز آسیب‌های احتمالی و نیز نبودِ الگویی جامع برای آن، تحقیق حاضر، در پی تبیین اهداف، اصول و روش‌های تنبیه اسلامی و ارائهٔ الگویی بر اساس آیات قرآن کریم و کلام امام علی(ع) است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به روش تحلیل مضمون انجام شد. آیات قرآن و کلام امیر مؤمنان به‌عنوان جامعهٔ تحقیق و آیات و روایاتِ ناظر به اهداف، ضرورت‌ها و روش‌های تنبیه، به‌عنوان نمونهٔ تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند. برای مطالعه ادبیات تحقیق از نرم‌افزارهای قرآنی و حدیثی استفاده کردیم. سازماندهی مطالب با نرم‌افزار «سیتاوی» و کدگذاری با نرم‌افزار «مکس‌کیودا» انجام شد. در فرایند تحلیل مضامین، سه نوع کُدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام دادیم. در فرایند تحلیل مضامین قرآنی، به تفسیرهای معتبری همچون تفسیر نمونه، المیزان، نور و الجامع لأحکام القرآن مراجعه و استناد کردیم. بررسی آیات قرآن و کلام امام علی(ع)، نشان داد که سازوکار تنبیه دارای «اهداف»، «آداب و اصول» و «روش‌های متعدد» است؛ افزون‌براین تنبیه غیرعالمانه و غیرعادلانه آفات و آسیب‌های فراوانی در پی دارد. برخی از «آداب و اصول تنبیه به شیوهٔ اسلامی» عبارت‌اند از: تعادل در تنبیه و تناسب آن با مقدار خطا؛ پرهیز از تنبیه بیش از ظرفیت؛ توجه به احوال و شرایط تنبیه‌شونده؛ تنبیه همراه با رفق و نرمی؛ پرهیز از تنبیه در حالت خشم؛ اجرای تنبیه به‌صورت مرحله‌ای و آغاز آن از مراتب خفیف؛ پرهیز از تنبیه پس از

▣ تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳ ▣ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

* استادیار الهیات و عرفان اسلامی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.....m.abdolrahimi32@gmail.com
** نویسنده مسئول: استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.....aaabbb4455@gmail.com

«تنبّه و اظهار پشـــیمانی»؛ عجله نکردن در تنبیه و به تعویق‌انداختن آن؛ پرهیز از تکرار زودهنگام تنبیه؛ تفهیم و تبیین دلیل تنبیه و مصداق تنبیه. به‌منظور پیشگیری از آفات و آســـیب‌های تنبیه، آموزش مبانی نظری در حوزهٔ «آداب و اصول تنبیه» و «انواع روش‌های مؤثر و متناسب» و نیز آموزش کارگاهی و عملیاتی چگونگی اجرای تنبیه، به تمامی مدیران و مسئولان ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: تنبیه، قرآن، سیرهٔ علوی، تربیت، اهداف تنبیه، اصول تنبیه، روش‌های تنبیه

مقدمه

«اسلام» دین رحمت و پیامبر خاتم، پیام‌آور رحمت برای عالمیان است[1] و آفرینندهٔ جهانیان، پرورش‌دهندهٔ همهٔ مخلوقات (ربّ‌العالمین) است و بهتر از هر کسی، به لوازم و شیوه‌های تربیت مخلوقات خود آگاه است. بنی‌آدم در زندگی و مسیر تربیت و تعالی خویش، احوالات متعددی می‌یابد؛ وی گاه نیاز به تشویق دارد تا در صراط مستقیم استوار گردد و گاه نیاز به تنبیه پیدا می‌کند تا از راه خطا باز گردد. بر اساس چنین نیازی، پروردگار انسان هم از «روش تشویق» و هم از «روش تنبیه» استفاده کرده است. در کتاب‌های آسمانی هم «وعده» (مژده) و هم «وعید» (تهدید) مطرح شده؛ برای نیکوکاران «وعدهٔ بهشت» و برای بدکاران «وعید جهنم» آمده است؛ هم سهل‌گیری و وعدهٔ بخشایش وجود دارد و هم سخت‌گیری و وعید کیفر و دچار شدن به مکافات عمل؛ این همه برای آن است که «رجا» و «خوف» در کنار هم باشند و سیر الی‌الله تضمین گردد.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، «تنبیه» یک روش تربیتی و اصلاحی است که برای جلوگیری از تکرار خطا و نیز بازداشتن از ارتکاب آن، در شرایط خاصی با رعایت آداب و اصولی، مجاز شمرده شده است. در فرایند تربیت، «تشویق و تنبیه» روش‌هایی برای تفکیک نیکوکار از بدکردار هستند؛ حضرت علی(ع) آنگاه که مالک اشتر را به فرمانروایی مصر، منصوب کرد، به او فرمود: ﴿**وَ لَا یَکُونَنَ الْمُحْسِنُ وَ الْمُسِیءُ عِنْدَکَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِی ذَلِکَ تَزْهِیداً لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِی الْإِحْسَانِ وَ تَدْرِیباً لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَی الْإِسَاءَةِ**﴾ (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۴۳۱)؛ «مبادا نیکوکار و بدکردار پیش تو یکسان باشند،

۱. ﴿وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعالَمینَ﴾ (انبیاء، ۱۰۷) «و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

زیرا چنین روشی نیکوکار را از کردار نیک، دور می‌کند و بدکردار را به کار بد سوق می‌دهد».

اگرچه آیات قرآنی و روایات اسلامی، اثر اصلاحی و تربیتی تنبیه را تأیید می‌کنند؛ اما در عین حال، باید دانست که «تنبیه» یک روش سلبی و بازدارنده یا تضعیف‌کننده است و درواقع از میل به خطا می‌کاهد و انسان را از بدی‌ها دور و منصرف می‌کند، چنانکه حضرت علی(ع) فرمود: ﴿مَنْ خَافَ الْعِقَابَ انْصَرَفَ عَنِ السَّيِّئَاتِ﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۶) «کسی که از عقوبت بترسد، از بدکاری منصرف می‌شود». اما «تشویق» بر خلاف تنبیه، یک روش تقویت‌کننده است. بر این اساس، با توجه به اینکه در فرایند تربیت انسان، روش‌های تقویت‌کننده کاراتر از روش‌های تضعیف‌کننده هستند پس تشویق بر تنبیه، اولویت دارد. درواقع، روش تنبیه باعث می‌شود که فرد بفهمد که چه کاری را نباید انجام دهد اما در روش تشویق، فرد می‌فهمد که چه کار را باید انجام دهد و یقین پیدا می‌کند که در راه درستی گام نهاده است.

بنابراین «تنبیه» می‌تواند اثر بازدارندگی و عبرت‌اندوزی برای خود فرد یا سایرین داشته باشد که البته همین مقدار نیز در فرایند تربیت، مطلوب است زیرا مسلماً «ترک خطا» می‌تواند مقدمهٔ «عمل صواب» گردد و به‌تدریج، مطلوب اصلی تربیت که جایگزین شدن رفتار درست به‌جای رفتار نادرست است، حاصل شود. درواقع دوری از بدکاری، اولین گام برای رسیدن به مرحلهٔ نیکوکاری است و با اجتناب از بدی‌ها و معاصی، زمینه و بستر برای انجام خوبی‌ها و طاعات فراهم می‌آید.

با توجه به آثار اصلاحی و تربیتی تنبیه، عموم سازمان‌ها برای راهنمایی نیروها و رسیدن به اهداف خود، از سازوکار تنبیه استفاده می‌کنند و تنبیه یکی از اهرم‌های مدیریت به‌شمار می‌آید. درواقع «تنبیه» سازوکاری عمومی است که به روش‌ها و شکل‌های مختلف در همهٔ کشورها و سازمان‌های حرفه‌ای اجرا می‌شود؛ بر این اساس، مقالهٔ حاضر در پی استخراج آداب و اصول، اهداف و روش‌های تنبیه بر اساس منابع اصیل اسلامی و ارائهٔ الگویی روشن و کاربردی و تقدیم آن به مدیران و مسئولان است.

مسئله‌ای که این تحقیق در پی رفع آن است، وجود برخی تنبیهات غیرعالمانه و غیرعادلانه در سازمان‌ها و محیط‌های آموزشی و حرفه‌ای است. مشکل آن‌جا رخ می‌نماید که در صورت آشنا نبودن مربیان، مدیران و دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش و

آموزش عالی با ظرایف اجرای تنبیه و غفلت از حساسیت موضوع و عدول از آداب و اصول تنبیه مطلوب اسلامی، آسیب‌های متعدد و جبران‌ناپذیری را به فرد و سازمان وارد می‌کنند. آسیب‌های فردی و اجتماعی، خانوادگی و سازمانی، ازجمله تبعات غفلت از اصول و روش‌های تنبیه و گم کردن زمان، مکان و اندازهٔ مناسب تنبیه است.

آفات و آسیب‌های موجود و لزوم پرهیز از زیان‌ها و پیشگیری از پیامدهای نامیمون و پرهیز از آسیب‌ها ـ که گاه حتی منجر به اقدام به خودکشی تنبیه‌شونده شده است ـ پرداختن به این موضوع را ضرورت بخشیده است. بر این اساس، ضمن اشاره به برخی آسیب‌های تنبیه، هدف این مقاله ترسیم الگویی اسلامی برای اجرای تنبیهات در سازمان‌ها و آگاه‌سازی مربیان، مدیران و دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی نسبت به ظرایف اجرای تنبیه بر اساس متون معتبر اسلامی است. این مقاله به‌دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است:

۱. اهداف تنبیه اسلامی بر اساس آیات قرآنی و سیرهٔ علوی کدام‌اند؟
۲. آداب و اصول تنبیه اسلامی بر اساس آیات قرآنی و سیرهٔ علوی کدام‌اند؟
۳. روش‌های تنبیه اسلامی بر اساس آیات قرآنی و سیرهٔ علوی کدام‌اند؟
۴. الگوی تنبیه اسلامی بر اساس آیات قرآنی و سیرهٔ علوی کدام‌است؟

پیشینهٔ تحقیق

مطالعه و بررسی تحقیقات پیشین، نشان می‌دهد که کوشش‌های علمی ارزشمند و قابل‌تقدیری در حوزهٔ مبحث تشویق و تنبیه صورت گرفته است. «جهانگرد» (۱۳۷۱) از منظر روان‌شناسی درصدد بیان آسیب‌های تنبیه در حوزهٔ کودکان و دانش‌آموزان برآمده و به شرایط تنبیه درست نیز اشاره کرده است. «مسدد» (۱۳۷۵) بر اساس دیدگاه رفتارگرایان وارد بحث شده و تشویق و تنبیه را وسیله‌ای برای تغییر رفتار دانسته است. وی به برخی نتایج و آثار نامطلوب تنبیه پرداخته و تصریح نموده است که تنبیه از روی حساسیت، غرض‌ورزی، کینه‌توزی، انتقام‌جویی و احساسات غیرمنصفانه، نه‌تنها آثار مثبت تربیتی ندارد بلکه آثار منفی و نامطلوب در پی خواهد داشت و آنان که می‌پندارند دائماً باید به تنبیه متوسل شوند، خود دارای مشکل هستند. «کاشانیها» (۱۳۷۷) در کتابی خطاب به والدین، مربیان و مدیران، به روش‌های تشویق و تنبیه اشاره نموده و جنبه‌های

انضباطی کودکان و روش سرپرستی آنان را بر اساس آموزه‌های دین اسلام مورد بحث و بررسی قرار داده است. «قوچانی» (۱۳۸۰) در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد با عنوان «شیوه‌های تشویق و تنبیه در قرآن» با روش اسنادی با رویکرد توصیفی، به تعریف تشویق و تنبیه، جایگاه و ضرورت آن‌ها، و نیز شیوه‌های تنبیه و تشویق از دیدگاه قرآن پرداخته است. «سید علی‌پور» (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی» بیان نموده است که تشویق و تنبیه در قرآن کریم درکنار هم ذکر شده و اولویت با تشویق است. نویسنده توضیح می‌دهد که خدای تعالی پیامبران را با سلاح بشارت و بیم برانگیخته و در قرآن کریم بیش از ۱۲۰ مرتبه مشتقات «انذار» و بیش از ۴۰ بار مشتقات «بشارت» استفاده شده است. وی نتیجه می‌گیرد که روش تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی از روش پیامبران و برگزیدگان الهی اقتباس شده است و نباید در برابر خوبی‌ها و بدی‌ها، یکسان و بی‌تفاوت بود زیرا این بی‌تفاوتی سبب ایجاد ضعف در افراد خوب و سستی بیشتر در افراد بی‌تفاوت می‌شود. «حسینی» (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «اصول حاکم بر روش تشویق و تنبیه در تربیت اخلاقی» در مقام تبیین رویکردهای مختلف در تنبیه و تشویق، به نظریهٔ افراط‌گرایانه، نظریهٔ تفریط‌گرایانه و نظریهٔ اعتدال‌گرایانه پرداخته و به سه روش تنبیهی: **۱.** تنبیه کلامی (یادآوری غیرمستقیم، تهدید، سرزنش، محرومیت از پاداش)؛ **۲.** تنبیه عاطفی (قهر کردن، اخراج کردن)؛ **۳.** تنبیه بدنی (به‌عنوان آخرین روش تربیتی در هنگامی‌که سایر شیوه‌های تنبیهی اثربخش نباشد) اشاره نموده است. «مردانی» (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه تشویق و تنبیه در مدیریت علوی با تأکید بر نهج‌البلاغه» با روش توصیفی ـ تحلیلی، به بیان آداب، گونه‌ها و حوزه‌های تشویق و تنبیه در سبک مدیریت علوی پرداخته است. نویسنده در بخشی از مقاله تحت عنوان «آداب تشویق و تنبیه در مدیریت علوی» مجموعاً به پنج مورد: رعایت اعتدال و میانه‌روی، التزام به موضوع تشویق و تنبیه، رعایت عدالت و انصاف، رعایت تناسب و سنخیت، تعلق تشویق و تنبیه به عمل، اشاره نموده است. سپس گونه‌های تشویق و تنبیه در مدیریت علوی را به «رفتاری» و «گفتاری» تقسیم کرده و در بیان حوزه‌های تشویق و تنبیه، به چهار حوزهٔ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی اشاره کرده است. «ممتحن» (۱۳۹۱) به بررسی دو اصل تنبیه و تشویق در آثار سعدی پرداخته است. «امیری» (۱۳۹۴) در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد

با عنوان «تشویق و تنبیه در آیات و روایات» به روش‌های تربیت صحیح و چگونگی نیل به اهداف تربیتی بر اساس آموزه‌های دین اسلام پرداخته است. در این تحقیق به آثار تربیتی تشویق و تنبیه، اشاره شده است. «شریفی و جعفری» (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌های قرآنی در نهادینه‌سازی اخلاق در جامعه» با استفاده از شیوه توصیفی و تحلیلی به این نتیجه رسیده‌اند که در قرآن کریم تشویق بر تنبیه اولویت دارد و هر دو مکمل یکدیگرند. «متقی‌زاده، شه‌بخش و روه» (۱۳۹۶) تشویق و تنبیه را دو روش مهم تربیتی دانسته‌اند که می‌توانند موجب تقویت رفتارهای مطلوب و بازداشتن از لغزش و انحراف و گناه شوند.

اگرچه در مطالعات و تحقیقات پیشین، مطالب ارزشمندی در مورد «تشویق و تنبیه» بیان شده است اما هیچکدام از محققان به‌صورت تخصصی به موضوع تنبیه نپرداخته‌اند و به استخراج الگوی تنبیه بر اساس آموزه‌های اسلامی اقدام نکرده‌اند؛ بر این اساس، جای یک پژوهش روشمند، جامع و مختص به موضوع تنبیه مبتنی بر کلام الهی و سیرهٔ علوی خالی بوده است.

مبانی نظری

«تنبیه»[1] از ریشهٔ «نَبَه» و به‌معنای بیدار کردن از خواب غفلت است و «انتباه» یعنی بیداری از خواب (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج۵:۳۸۴)؛ در فرهنگ ابجدی، به معنای «هشدار دادن، از تنبلی بیرون آوردن، از خواب بیدار کردن و آگاه ساختن» آمده است (بستانی، ۱۳۷۵:۸۹۸). در ادبیات فارسی نیز «تنبیه» به‌معنای «آگاهانیدن، بیدار کردن، واقف گردانیدن به چیزی و آگاه و هوشیار کردن، بیداری از خواب، آگاهی پس از غفلت» (دهخدا، ۱۳۷۷) و نیز: «بیدار کردن، هوشیار ساختن، آگاه کردن، واقف کردن، مجازات کردن، ادب کردن، گوشمال دادن و تأدیب» آمده و جمع آن تنبیهات است (معین، ۱۳۷۸:۱۱۴۸).

«تنبیه» در اصطلاح، به عملی گفته می‌شود که باعث بیدار شدن، آگاه و هوشیار شدن خطاکار می‌شود و در اصل، عبارت است از ارائهٔ یک محرک آزاردهنده یا ناخوشایند (تقویت‌کنندهٔ منفی) به‌دنبال یک رفتار نامطلوب، برای کاهش احتمال آن رفتار (سیف، ۱۳۹۴: ۲۴۶).

1. punishment

بر این اساس، تنبیه، کنشی است که «آگاهی، هوشیاری و بیداری» را در پی داشته باشد و دست‌کم در سه حوزهٔ معنایی به‌کار می‌رود: **۱.** حذف پاسخ مثبت از ارگانیسم و یا اضافه کردن پاسخ منفی به آن. تنبیه، زمانی رخ می‌دهد، که پاسخ مثبتی را از موقعیت حذف و یا چیزی منفی به آن بیافزاییم. به زبان متداول می‌توان گفت تنبیه دور ساختن چیزی از ارگانیسم است که خواستار آن است، یا دادن چیزی به او است که طالب آن نیست. به‌عبارت‌دیگر تنبیه عبارت از ارائهٔ محرک ناخوشایند یا حذف تقویت مثبت بلافاصله بعد از انجام یک رفتار است. **۲.** ارائهٔ پاسخ منفی به ارگانیسم. در این معنا «تنبیه» عبارت است از ارائهٔ یک محرک آزارنده به‌دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن احتمال آن رفتار؛ **۳.** تنبیه بدنی یا کتک زدن. بر طبق معنای نخست، «تنبیه» طیف گسترده‌ای از کنش‌ها را دربر می‌گیرد ازجمله: بی‌اعتنایی، تهدید، تحقیر، سرزنش، تمسخر، محروم‌سازی، جریمه، اخم، روی برگرداندن و تنبیه بدنی؛ برخلاف معانی دوم و سوم که محدودتر هستند (مرجانی، ۱۳۸۷).

از دیدگاه رفتارگرایان، تنبیه عاملی است برای کاهش یا قطع وقوع یک رفتار؛ و درصورتی‌که رفتار نامطلوب، کاسته یا قطع نشود، آن روش یا عامل درواقع تنبیه نبوده است (مسدد، ۱۳۷۵). رفتارگرایان به دو نوع کلی تنبیه، «تنبیه نوع اول» (واردکردن یک عامل ناخوشایند در زندگی فرد) و «تنبیه نوع دوم» (حذف یک عامل خوشایند از زندگی فرد) قائل هستند و تنبیه را به‌شرطی مؤثر می‌دانند که: **۱.** فوری اعمال شود؛ **۲.** نتوان از آن فرار کرد؛ **۳.** به‌اندازهٔ کافی شدید باشد؛ **۴.** عامل تقویت‌کنندهٔ رفتار ناشایست، حذف شود؛ **۵.** از بیشتر بودن نفع آن از ضررش اطمینان حاصل شود؛ **۶.** رفتار مورد مجازات، دقیقاً تعریف شده باشد (مسدد، ۱۳۷۵).

آزرین و هولز[1] در تعریف تنبیه گفته‌اند: «تنبیه کاهش دادن احتمال بروز آتی یک پاسخ است که درنتیجهٔ ارائهٔ محرکی پس از آن پاسخ حاصل می‌شود؛ محرک ارائه‌شده محرک تنبیه‌کننده و کل فرایند تنبیه نام دارد» (به نقل از: سیف، ۱۳۹۴: ۴۷۹). همچنین گفته شده: تنبیه عبارت است از ارائهٔ یک محرک آزاردهنده که اغلب ناخوشایند است یا حذف یک رویداد تقویت‌کننده (میلتن‌برگر[2]، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

1 . Azrin & Holz
2 . Miltenberger

در بیان ضرورت و فلسفهٔ «تنبیه» می‌توان گفت که: نفس آدمی، اساساً نیازمند تنبیه و تلنگر و تذکر است؛ زیرا خاصیت نفس انسان، بی‌نهایت‌خواهی است و اگر این بی‌نهایت‌خواهی، در مسیر درست و شایسته هدایت نشود، به طغیان‌گری و سرکشی می‌انجامد: ﴿**بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسانُ لِيَفْجُرَ أَمامَهُ**﴾ (قیامت، ۵) «[انسان شک در معاد ندارد] بلکه او می‌خواهد [آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت] در تمام عمر گناه کند!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۵۷۷).

همین زیاده‌خواهی نفس، همواره آدمی را در معرض وسوسه‌های متعدد قرار می‌دهد که اگر از ندای جبرئیل عقل غافل شود، به‌راحتی می‌تواند در دام تلبیس‌های ابلیس نفس گرفتار گردد و در ورطهٔ انحرافات جبران‌ناپذیر فرو رود؛ از این‌روست که پیامبراکرم(ص)، نفس را دشمن‌ترین دشمن انسان دانسته: ﴿**أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ**﴾ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷: ۶۴) و مقابله و مبارزه با هواهای آن را «جهاداکبر» خوانده است:

﴿**أَنَّ النَّبِيَّ ص بَعَثَ بِسَرِيَّةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ مَرْحَباً بِقَوْمٍ قَضَوُا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ‌اللهِ ص وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ**﴾ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۲).

حضرت یوسف(ع) که خود پیامبری بزرگ بود، فرمود: ﴿**وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا ما رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحيمٌ**﴾ (یوسف، ۵۳) «من خود را از گناه تبرئه نمی‌کنم؛ زیرا نفس طغیان‌گر بسیار به بدی فرمان می‌دهد مگر زمانی که پروردگارم رحم کند؛ زیرا پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است». امام علی(ع) با نظر به این آیه فرموده است: ﴿**إِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ فَمَنْ أَهْمَلَهَا جَمَحَتْ بِهِ إِلَى الْمَآثِمِ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۷) «همانا این نفس بسیار فرمان‌دهنده به بدی است، پس هر که آن را واگذارد، او را به سوی گناهان می‌کشاند».

حضرت علی(ع) همچنین فرموده است: ﴿**إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ فَمَنِ ائْتَمَنَهَا خَانَتْهُ وَ مَنِ اسْتَنَامَ إِلَيْهَا أَهْلَكَتْهُ وَ مَنْ رَضِيَ عَنْهَا أَوْرَدَتْهُ شَرَّ الْمَوَارِدِ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۷) «به‌درستی که نفس بسیار امرکننده به بدی و افعال قبیح است؛ پس هر که امین گرداند آن‌را خیانت کند آن با او؛ و هر که آرام بگیرد به‌سوی آن و مطمئن گردد به آن، هلاک گرداند آن او را، و هر که خشنود گردد از آن، فرود آورد آن او را به

بدترین جایگاه‌های فرود آمدن» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۳: ۱۱۴).

در این میان، یکی از روش‌های بازداشتن نفس از زیاده‌خواهی‌ها، سرکشی‌ها، افراط‌وتفریط‌ها، تنبلی‌ها و سستی‌ها... استفاده از روش تنبیه است، که روشی مناسب برای بیدار کردن و بازداشتن نفس از طغیان‌گری‌ها و کج‌روی‌ها و رفتن به‌سوی گناهان و افتادن در ورطهٔ هلاکت است.

بر این اساس «تنبیه» در شکل‌های مختلف مانند تهدید، تحریم، تحدید و... یک شیوهٔ تربیتی و ضرورتی برای کنترل نفس زیاده‌خواه و سرکش انسان است، چنانچه عارفان و سالکان الی‌الله همواره در کارزار جهاد اکبر، خود نفس خویش را مورد عتاب و تنبیه قرار می‌دهند[1] و تسلیم هواهای آن نمی‌شوند.

از سوی دیگر، «تنبیه» جزای خطا و بازتاب اشتباه انسان است که به خود او برمی‌گردد. اگر آدمی بداند که هر کار بدی، عقوبت و فرجامی بد در پی دارد: ﴿لِكُلِّ سَيِّئَةٍ عِقَابٌ﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۶۶)، هیچ‌گاه به بدی‌ها نزدیک نخواهد شد. مسلماً یقین داشتن به گرفتار شدن در مکافات عمل و بدفرجامی، انسان را از بدکاری باز می‌دارد. چنانچه حضرت علی(ع) فرموده است: ﴿مَنْ أَيْقَنَ بِالْمُجَازَاةِ لَمْ يُؤْثِرْ غَيْرَ الْحُسْنَى﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۵۰) «کسی که یقین به کیفرِ (عمل) دارد، جز کار نیک انجام نمی‌دهد».

نکتهٔ دیگر در ضرورت تنبیه، «ایجاد خوف در وجود انسان» است، حتی اگر عقوبت و وعید، به مرحلهٔ فعل و اجرا نرسد. بر این اساس اگرچه «تشویق» باعث «ایجاد شوق و رغبت» در انسان می‌شود، تنبیه هم باعث «ایجاد خوف و دقت» در او می‌شود و باید توجه داشت که نفس آدمی، هم به «رجا و شوق و رغبت» و هم به «خوف و تحذیر و دقت» نیاز دارد تا در زندگی و سیر و سلوک خویش، نه از حرکت باز ایستد و نه کج برود. ازاین‌رو «خوف از تنبیه» خود آثار تربیتی سازنده دارد. چنانچه امام صادق(ع) در بیان «اثر تربیتی و اصلاحی خوف از عقوبت و تنبیه» فرموده است که مؤمن باید همواره در میان «دو خوف» قرار بگیرد: یکی خوف و وحشت از کیفر اعمال گذشتهٔ خویش، و

---

۱. «مشارطه» (با خود شرط کردن در آغاز روز)، «مراقبه» (هر لحظه مراقب افکار و رفتار خود بودن در طول روز)، محاسبه (ارزیابی عملکرد در پایان روز)، و «معاتبه» (سرزنش خود پس از لغزش یا خطا) «معاقبه» و (تنبیه عملی و خود را به سختی‌انداختن درجهت جبران خطا) مراحلی هستند که سالکان الی‌الله انجام می‌دهند (ملکی تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۴۶؛ حسینی طهرانی، ۱۳۸۹: ۳۶۴).

دیگری ترس از آنچه در آینده انجام خواهد داد: ﴿**الْمُؤْمِنُ بَيْنَ مَخَافَتَيْنِ، ذَنْبٍ قَدْ مَضَى لَا يَدْرِي مَا صَنَعَ اللهُ فِيهِ وَ عُمُرٍ قَدْ بَقِيَ لَا يَدْرِي مَا يَكْتَسِبُ فِيهِ مِنَ الْمَهَالِكِ فَهُوَ لَا يُصْبِحُ إِلَّا خَائِفاً وَ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْخَوْفُ**﴾ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲۵: ۷۱).

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به موضوع وجهت‌گیری آن یعنی احصای مقوله‌های مرتبط با تنبیه در آموزه‌های قرآن کریم و کلام امیرمؤمنان علی(ع) و ارائهٔ الگوی تنبیه اسلامی، با استفاده از رویکرد کیفی انجام شد. بر همین اساس قرآن کریم و روایات اسلامی به‌عنوان جامعهٔ تحقیق و آیات و روایاتِ ناظر به اهداف، ضرورت‌ها و روش‌های تنبیه، به‌عنوان نمونهٔ تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند. به‌منظور استخراج و تفسیر داده‌های متنی مندرج در مقوله‌های قرآن کریم و کلام امیرمؤمنان امام علی(ع)، از روش تحلیل مضمون استفاده نمودیم. برای مطالعهٔ ادبیات تحقیق از نرم‌افزارهای قرآنی و حدیثی و تفسیرهای مختلف شیعه و اهل سنت استفاده کردیم. از نرم‌افزار «سیتاوی»[1] برای مدیریت منابع و تنظیم اطلاعات و از نرم‌افزار «مکس‌کیودا»[2] برای کدگذاری و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها بهره گرفتیم. در فرایند تحلیل مضامین سه نوع کُدگذاری تحت عنوان کُدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام دادیم. در فرایند احصای کُدهای باز؛ مقوله‌های تحقیق شناسایی، تفکیک و سپس فرایند مفهوم‌پردازی انجام شد. در این مرحله کُدهای اصلی و فرعی به تفکیک احصا شد و برای هر کُد فرعی مصداق قرآنی و روایی مرتبط ذکر گردید. تعداد کدهای باز احصاشده در جدول(۱) بالغ بر ۶۹ گزاره است. شناسایی و مفهوم‌پردازی کدهای باز بر اساس فرایندی علمی انجام شد که نمونه‌ای از آن در جدول(۲) ارائه گردیده است. در ادامه در فرایند احصای کُدهای محوری مقوله‌ها را به یکدیگر مرتبط نمودیم. در این بخش نظر خبرگان و متخصصان را در مورد مقوله‌های تحقیق دریافت کردیم و بر اساس آن مبادرت به کُدگذاری محوری نمودیم. در این مرحله از کُدگذاری، مقوله‌های اصلی بالغ بر ۵ مقوله و مقوله‌های فرعی بالغ بر ۳۵ مقوله تعیین گردید. در فرایند احصای

1 . Citavi
2 . MaxQDA

کُدهـای انتخابـی به‌عنـوان آخریـن مرحلـه از کُدگـذاری، مؤلفه‌هـای اصلـی و اساسـی را کـه مؤلفه‌هـای دیگـر پیرامـون آن قرار داشـتند، مشـخص و الگوی نهایی تحقیق را رسـم نمودیـم. لازم بـه ذکـر اسـت کـه در فراینـد مشـخص‌کردن کُدهـای انتخابـی، عـلاوه بـر بررسی و تحلیل معنوی مضامین قرآنی، تفاسیر معتبر شیعی و سنی از قبیل تفسیر نمونه اثر ناصر مکارم شـیرازی، المیزان فی تفسـیر القرآن اثر علامه طباطبایی و تفسـیر نور اثر محسـن قرائتـی را به‌عنـوان تفاسـیر شـیعی و الجامع لأحـکام القرآن اثر محمـد بن احمد قرطبـی را به‌عنـوان تفسـیر اهـل سـنت، بـه روش تطبیقـی بررسـی کردیـم، و مقوله‌هـای تحقیق را به اسـتناد موارد فوق تعدیل و تجمیع نمودیم. ترسـیم شـبکه مضامین به‌عنوان یکـی از مراحـل مقدماتـی ترسـیم الگوی نهایـی از مواردی اسـت که در ایـن مقاله انجام شـد. فراینـد انجام تحقیـق در قالب نمودار(۱) قابل‌مشـاهده اسـت.

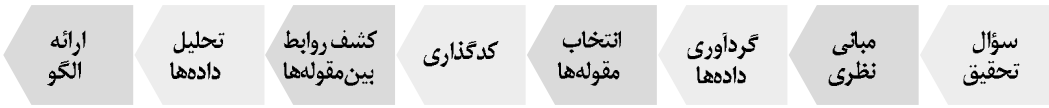

نمودار ۱. فرایند انجام تحقیق

یافته‌ها

در راستای پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق، در این بخش، یافته‌ها بر اساس مطالعات، استنباط‌ها و تحلیل‌های انجام‌یافته مبتنی بر آیات و روایات، ارائه می‌شود:

اهداف تنبیه بر اساس آیات قرآنی

بررسی آیات قرآن کریم، نشان می‌دهد که: «تنبیه» برای تضرع، تذکر، اصلاح مسیر حرکت و بازگرداندن به راه راست و نیز بازسازی و درمان است.

• تضرع و فروتن کردن خطاکار

وقتی بنی‌آدم، به مال یا جاه و مقامی می‌رسد، چه‌بسا در اثر غلبهٔ نفس اماره، خیلی زود فقر و ضعف خود را فراموش کند[1] و دچار غرور گردد و درنتیجه به ورطهٔ طغیان

۱. ﴿فَأَمَّا الْإِنْسانُ إِذا مَا ابْتَلاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ﴾ (فجر، ۱۵) «اما انسان، هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و گرامی داردش و نعمتش بخشد، می‌گوید: پروردگارم [چون شایسته و سزاوار بودم] مرا گرامی داشت». ﴿... خُلِقَ الْإِنْسانُ ضَعِيفاً﴾ (نساء، ۲۸). ﴿يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَى اللهِ وَ اللهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر، ۱۵) «ای مردم! شمایید نیازمندان به خدا، و فقط خدا بی‌نیاز و ستوده است».

کشیده شود.[۱] یکی از اهداف سخت‌گیری‌ها و ابتلائات الهی، شکستن کبر و غرور خطاکاران و یادآوری ضعف و عجزشان و نیز فروتن کردن آنان است:

﴿وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا إِلی أُمَمٍ مِنْ قَبْلِکَ فَأَخَذْناهُمْ بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ یَتَضَرَّعُونَ﴾ (انعام، ۲۴) «و بی‌تردید ما به سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم؛ پس آنان را [هنگامی که با پیامبران به مخالفت و دشمنی برخاستند] به تهیدستی و سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، باشد که [در پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند».

﴿وَ ما أَرْسَلْنا فی قَرْیَةٍ مِنْ نَبِیٍّ إِلَّا أَخَذْنا أَهْلَها بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ یَضَّرَّعُونَ﴾ (اعراف، ۴۹) «هیچ پیامبری را در شهری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را [پس از تکذیب آن پیامبر] به تهیدستی و سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، باشد که [به پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند».

● تذکر و تلنگر

انسان غافل‌شده، گاه برای خروج از خواب و غفلت، به تلنگرهایی در قالب تلخی‌های روزگار نیاز دارد:

﴿وَ لَقَدْ أَخَذْنا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنینَ وَ نَقْصٍ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ یَذَّکَّرُونَ﴾ (اعراف، ۱۳۰) «و فرعونیان را به قحطی و خشکسالی‌های متعدد و کمبود بسیار شدیدِ بخشی از محصولات دچار نمودیم تا متذکّر شوند».

● اصلاح مسیر حرکت و بازگشت به‌سوی خدا و ترک خطا

انسانی که از راه راست خارج شده و در حال کج‌روی است و هیچکدام از راهنماها و راهنمایی‌ها، توجه او را جلب نکرده و پندهای مشفقانهٔ ناصحان و نوازش معلمان را ادراک نکرده است، به داروی تلخ تنبیه احتیاج دارد تا مسیر خود را اصلاح کند و از خطا و راه خطا بازگردد:

﴿... وَ أَخَذْناهُمْ بِالْعَذابِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ﴾ (زخرف، ۸۴) «... و آنان را به عذاب دنیایی گرفتار کردیم، باشد که بازگردند».

---

۱. ﴿کَلّا إِنَّ الْإِنْسانَ لَیَطْغی* أَنْ رَآهُ اسْتَغْنی﴾ (علق، ۶ و ۷) «این‌چنین نیست [که انسان سپاس‌گزار باشد] مسلماً انسان سرکشی می‌کند* برای اینکه خود را بی‌نیاز می‌پندارد».

﴿وَ لَنُذيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنى دُونَ الْعَذابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (سجده، ۱۲) «و بی‌تردید آنان را غیر از عذاب بزرگ‌تر [در قیامت] از عذاب نزدیک‌تر [در دنیا] می‌چشانیم، باشد که [از فسق و فجور] برگردند».

﴿ظَهَرَ الْفَسادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذيقَهُمْ بَعْضَ الَّذي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (روم، ۱۴) «در خشکی و دریا به سبب اعمال زشتی که مردم به‌دست خود مرتکب شدند، فساد و تباهی نمودار شده است تا [خدا کیفر] برخی از آنچه را انجام داده‌اند به آنان بچشاند، باشد که [از گناه و طغیان] برگردند».

- **رحمتی از سوی پروردگار و عاملی برای عاقبت‌بخیری**

با توجه به اینکه رحمت الهی بر غضب او پیشی دارد: ﴿يا مَن سَبَقَت رَحمَتُهُ غَضَبَهُ﴾ پس می‌توان گفت که حتی غضب و تنبیه الهی نیز از روی رحمت و محبت یا در بیانی دقیق‌تر «عین رحمت و محبت» است، همچون داروی تلخی که از سوی طبیبی آگاه و مهربان تجویز می‌شود.

در فرهنگ قرآنی با این مطلب شگفت‌انگیز مواجه می‌شویم که گناهکاران به عذابی دردناک، مژده و بشارت داده شده‌اند. پیداست که «مژده و بشارت» به امور سودمند و مبارک تعلق می‌گیرد. از این‌گونه آیات می‌توان چنین نتیجه گرفت که تحمل تلخیِ عذاب، در نهایت به شیرینی درمان و سلامتی منتهی خواهد شد:

﴿إِنَّ الَّذينَ يَكْفُرُونَ بِآياتِ اللهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَليمٍ﴾ (آل‌عمران، ۱۲) «کسانی که پیوسته به آیات خدا کفر می‌ورزند، و همواره پیامبران را به ناحق می‌کشند، و از مردم کسانی را که امر به عدالت می‌کنند به قتل می‌رسانند، پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده».

﴿فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَليمٍ﴾ (انشقاق، ۴۲) «پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده».

آداب و اصول تنبیه بر اساس کلام الهی و سیرهٔ علوی

«تنبیه» دارای اصول و آدابی است که اگر رعایت نشود، ممکن است آسیب‌ها و مضراتی را، هم برای تنبیه‌شونده و هم برای تنبیه‌کننده در پی داشته باشد، ازجملهٔ

این آسیب‌ها برای تنبیه‌شونده عبارت‌اند از: یأس و ناامیدی و دلسردی، ایجاد خاطرهٔ ناخوشایند در ذهن، احساس تحقیر شدن، ایجاد ترس، وحشت و اضطراب؛ همچنین احساس تظلم و بی‌عدالتی که می‌تواند منجر به پرخاشگری، لجاجت و افزایش رفتار نامطلوب، کینه و دشمنی و اقدام به انتقام، و حتی در برخی موارد خاص، اقدام به خودکشی گردد. افزون‌براین، در صورت رعایت نکردن اصول و آداب انسانی و دینی تنبیه، چه‌بسیار خود تنبیه‌کننده نیز دچار عذاب وجدان و آزردگی‌های روحی و روانی می‌گردد که گاه شاید قابل‌جبران و تسکین نباشد. ازاین‌رو آگاهی از اصول و آداب تنبیه، بر همهٔ مدیران سازمان‌های آموزشی، معلمان، استادان، لازم است.

در کلام امیر(ع) به برخی از آسیب‌های تنبیه غیرعالمانه و غیرعادلانه اشاره شده است: «افراط کردن در ملامت، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌سازد» ﴿**الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشُبُّ نَارَ اللَّجَاجَةِ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۲۳).

همچنین ایشان به آفت کینه و دشمنی اشاره فرموده است: «بسیار ملامت مکن زیرا کینه را در پی می‌آورد و باعث دشمنی می‌شود» ﴿**لَا تُكْثِرَنَّ الْعِتَابَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الضَّغِينَةَ وَ يَدْعُو إِلَى الْبَغْضَاءِ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۸).

تنبیه می‌تواند باعث «یأس و ناامیدی و دلسردی» گردد. «یأس و ناامیدی» زمانی ایجاد می‌شود که تنبیه‌شونده بپندارد که دیگر راه بازگشتی ندارد و دیگر نمی‌تواند جایگاه پیشین خود را بازیابد. حضرت علی(ع) پیروان را از مأیوس کردن گناهکار، برحذر داشته است: ﴿**لَا تُؤْيِسَنَّ مُذْنِباً فَكَمْ عَاكِفٍ عَلَى ذَنْبِهِ خُتِمَ لَهُ بِالْمَغْفِرَةِ وَ كَمْ مُقْبِلٍ عَلَى عَمَلٍ هُوَ مُفْسِدٌ لَهُ خُتِمَ لَهُ فِي آخِرِ عُمُرِهِ بِالنَّارِ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۷).

«اصرار بر خطا و حرص بر گناه» آسیب دیگری است که در کلام امیر بیان شده است: ﴿**وَ إِيَّاكَ أَنْ تُكَرِّرَ الْعَتْبَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُغْرِي بِالذَّنْبِ وَ يُهَوِّنُ الْعَتْبَ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۲۳) «بپرهیز از اینکه تکرار کنی سرزنش را زیرا حرص بر گناه را زیاد می‌کند و سرزنش را خوار می‌گرداند [یعنی اثر سرزنش را از بین می‌برد و آن را بی‌فایده و بی‌تأثیر می‌نماید].

«تخریب شخصیت» یکی از آسیب‌های تنبیه در مکان نامناسب است: ﴿**النُّصْحُ بين المَلَإِ تَقْرِيعٌ**﴾ (نهج‌البلاغه، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰: ۳۴۱) «نصیحت کردن در ملأعام، کوبیدن شخصیت است».

درمجموع، با توجه به موارد یاد شده، آگاهی از آداب و اصول تنبیه و رعایت آن‌ها، می‌تواند تنبیه‌شونده و تنبیه‌کننده را از آفت‌ها و آسیب‌های مختلف، دور گرداند. اینک در ادامهٔ سخن، به آداب و اصول تنبیه اشاره می‌شود:

- **تعادل در تنبیه و تناسب آن با مقدار خطا**

«تعادل در تنبیه» جامع‌ترین و مهم‌ترین اصل در تنبیه است. از یک منظر می‌توان گفت که اصل «تعادل در تنبیه» به‌طور ضمنی همهٔ آداب و اصول تنبیه را در بر می‌گیرد. اما برای تبیین بیشتر و تشریح جزئیات، ما شاخصه‌های تنبیه متعادل را در بندهای جداگانه آورده‌ایم.

بر اساس آیات و روایات، تنبیه باید متعادل باشد و به افراط‌وتفریط کشیده نشود. منظور این است که تنبیه به‌جا، به‌موقع و به‌اندازه باشد. رعایت «مکان تنبیه» و «زمان تنبیه» و «مقدار تنبیه» لازمهٔ تنبیه متعادل است. تنبیه نباید در مکان نامناسب یا زمان نامناسب اجرا شود و یا بیشتر یا کمتر از مقدار جرم و گناه باشد. البته چنین تنبیه متعادلی، کار ساده‌ای نیست؛ حضرت رسول اکرم(ص) در خطاب به فردی، پس از آنکه سه مرتبه او را از تنبیه نهی کرد، فرمود: «اگر تنبیه کردی، به‌اندازهٔ گناه تنبیه کن» (الهیثمی، ۱۴۱۴ق: ج ۸: ۱۰۶).

نکتهٔ قابل‌تأکید در تنبیه متعادل، رعایت تناسب است، یعنی تنبیه باید متناسب با مقدار خطای فرد باشد. این مطلب به‌ویژه در خطاهای گروهی اهمیت خاصی می‌یابد؛ بدین‌معنی که در خطاهای جمعی، تنبیه باید متناسب با میزان نقش هر فرد در آن تخلف باشد. مبنای قرآنی این مطلب آیهٔ ۱۱ از سورهٔ نور است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ جاؤُ بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذابٌ عَظِيمٌ﴾

(نور، ۱۱) «به‌یقین کسانی که آن تهمت [بزرگ] را [دربارهٔ یکی از همسران پیامبر به میان] آوردند، گروهی [هم‌دست و هم‌فکر] از [میان] خود شما بودند، آن را برای خود شرّی مپندارید، بلکه آن برای شما خیر است، برای هر مردی از آنان کیفری به میزان گناهی است که مرتکب شده، و آن کس که بخش عمدهٔ آن را بر عهده گرفته است، برایش عذابی بزرگ است».

بر این اساس، تنبیه فرد بی‌گناهی که در میان جمع خطاکاران است، نیز خارج از آداب و اصول تنبیه اسلامی است.

● پرهیز از تنبیه بیش از ظرفیت و تکلیف ما لا یطاق

تکلیف بیش از ظرفیت (تکلیف ما لا یطاق) شیوهٔ پروردگار عالمیان (ربّ‌العالمین) نیست. چنانکه این سنت الهی در قرآن کریم بیان شده است: ﴿**لا یُکَلِّفُ اللهُ نَفْساً إِلّا وُسْعَها...**﴾ (بقره، ۲۸۶) «خدا هیچ‌کس را جز به‌اندازهٔ توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند...».

خدای متعال حتی همهٔ بار گناهان آدمی را بر دوش وی نمی‌گذارد: ﴿**وَ ما أَصابَکُمْ مِنْ مُصیبَةٍ فَبِما کَسَبَتْ أَیْدیکُمْ وَ یَعْفُوا عَنْ کَثیرٍ**﴾ (شوری، ۳۰) «و هر آسیبی به شما رسد به سبب اعمالی است که مرتکب شده‌اید، و از بسیاری [از همان اعمال هم] در می‌گذرد».

این شیوهٔ پروردگار عالمیان، باید در دستور کار مربیان زمینی نیز قرار گیرد.

● درک احوال و موقعیت خطاکار

شایسته است در هنگام ملامت، توبیخ و اجرای تنبیه، به اوضاع و احوال خطاکار توجه شود. زلیخا وقتی با ملامت زنان مصر مواجه شد، یوسف را به آنان نشان داد و آنان را یک‌بار در موقعیت خودش قرار داد و آنان بهت‌زده، انگشت خود را بریدند (قرائتی، ۱۳۹۷: ۲۴۳): ﴿**قالَتْ فَذلِکُنَّ الَّذی لُمْتُنَّنی فیهِ وَ لَقَدْ راوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ...**﴾ (یوسف، ۳۲) «بانوی کاخ گفت: این همان کسی است که مرا دربارهٔ عشق او سرزنش کردید. به‌راستی من از او خواستار کام‌جویی شدم، ولی او در برابر خواست من به‌شدت خودداری کرد...».

● تنبیه همراه با رفق و نرمی

یکی از اصول تنبیه اسلامی آن است که باید همراه با رفق و نرمی باشد نه شدت و قساوت. حضرت علی(ع) فرموده است: ﴿**إِذَا عَاقَبْتَ فَارْفُقْ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۴) «هرگاه عقاب کنی پس نرمی کن». یعنی در عقاب و عقوبت شدّت و سختی مکن، بلکه قدری نرمی و همواری داشته باش» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳: ۱۱۵).

همچنین فرموده است: ﴿**اخْلِطِ الشِّدَّةَ بِرِفْقٍ وَ ارْفُقْ مَا کانَ الرِّفْقُ أَوْفَقَ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۳) یعنی «آمیخته کن شدّت و سختی را به نرمی، و نرمی

کن مادام که نرمی موافق‌تر باشد. یعنی مادام که کار با نرمی پیش رود نرمی کن و در جایی که شدّت و سختی ضرورت یابد باز زیاد سخت مگیر و نرمی به آن آمیخته کن» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۰۴).

بنا به سفارش حضرت علی(ع) تنبیه‌کننده باید آینده‌نگر باشد و جایی را برای آشتی و دوستی باقی بگذارد: ﴿إِذَا عَاتَبْتَ فَاسْتَبْقِ﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۲۳) «هرگاه عتاب کنی پس باقی بگذار». «عتاب» همان ملامت کردن و سرزنش نمودن است و مراد این است که هرگاه کسی را ملامت کنی و درشتی کنی پس مبالغه مکن در آن، و راه دوستی و آشتی را باقی بگذار (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳: ۱۱۴).

● پرهیز از تنبیه در حالت خشم

یکی از آداب و اصول تنبیه در اسلام «پرهیز از تنبیه در حالت خشم» است. هم پیامبر اکرم(ص) و هم امیرالمؤمنین(ع) از تأدیب در حالت غضب نهی کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۹: ۱۰۲). حضرت علی در نامهٔ پنجاه‌وسه از نهج‌البلاغه، به مالک اشتر فرمان خویشتن‌داری در حالت خشم می‌دهد و البته راهکار آن خویشتن‌داری را نیز نشان می‌دهد: «به‌هنگام خشم، خویشتن‌دار باش و تندی و طغیان نفس را مهار کن، و دست به روی کسان بر مدار و تیزیِ زبان بگذار، و ازاین‌جمله خودداری کن با سخن ناسنجیده بر زبان نیاوردن، و تنبیه و قهر را به تأخیر افکندن، تا خشمت آرام شود و عنان اختیار به‌دستت برگردد، و چنین قدرتی بر خود نیابی جز اینکه فراوان به یاد آری که در راه بازگشت به‌سوی کردگار هستی» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۴۰).[1]

● «تنبیه» به‌صورت مرحله‌ای و آغاز از مراتب خفیف و ضعیف

همچنان‌که در فقه اسلامی در مورد «امر به معروف و نهی از منکر» بیان شده است، تنبیه هم، مانند «امر به معروف و نهی از منکر» باید از مراحل خفیف، نرم و آسان آغاز شود و تدریجاً به مراتب سخت‌تر انتقال یابد؛ زیرا چه‌بسا همان مقدار خفیف، برای بازدارندگی و اصلاح کافی باشد. این مطلب را می‌توان از آیهٔ ۳۴ سورهٔ نساء استنباط نمود:

---

۱. ﴿أَمْلِکْ حَمِیَّةَ أَنْفِکَ وَ سَوْرَةَ حَدِّکَ وَ سَطْوَةَ یَدِکَ وَ غَرْبَ لِسَانِکَ وَ احْتَرِسْ مِنْ کُلِّ ذَلِکَ بِکَفِّ الْبَادِرَةِ وَ تَأْخِیرِ السَّطْوَةِ حَتَّی یَسْکُنَ غَضَبُکَ فَتَمْلِکَ الِاخْتِیَارَ وَ لَنْ تَحْکُمَ ذَلِکَ مِنْ نَفْسِکَ حَتَّی تُکْثِرَ هُمُومَکَ بِذِکْرِ الْمَعَادِ إِلَی رَبِّکَ﴾ (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ ق: ۴۴۴).

﴿... فَالصَّالِحـاتُ قانِتـاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَيْـبِ بِما حَفِـظَ اللهُ وَ اللاَّتی تَخافُونَ نُشُـوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضاجِـعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبيلاً إِنَّ اللهَ كانَ عَلِيًّا كَبيراً﴾ (نساء، ۴۳) «پس زنان شایسته و درست کار [با رعایت قوانین حق] فرمانبردار [و مطیع شـوهر] ند [و] در برابر حقوقی که خدا [به نفع آنان برعهدهٔ شوهرانشـان] نهاده اسـت، در غیاب شوهر [حقوق و اسرار و اموال او را] حفظ می‌کنند. و زنـانـی که از سرکشی و نافرمانی آنان بیم دارید [در مرحلهٔ اول] پندشان دهید، و [در مرحلهٔ بعد] در خوابگاه‌ها از آنان دوری کنید، و [اگر اثر نبخشـید] آنان را [به گونه‌ای که احسـاس آزار به دنبال نداشته باشد] تنبیه کنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند برای آزار دادن آنان هیچ راهی مجویید؛ یقیناً خدا بلندمرتبه و بزرگ است».

● پرهیز از تنبیه بعد از «تنبّه و اظهار پشیمانی»

چنانچه گفته شد، تنبیه برای آگاهی و اصلاح مسیر است، پس نباید پس از تنبّه و پشیمانی خطاکار اجرا شود؛ این مطلب را می‌توان از داستان حضرت یوسف(ع) استنباط کرد آنجا که ایشان برادران خطاکار خویش را پس از پشیمانی، تنبیه نکرد و فرمود: ﴿... لا تَثْريبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمينَ﴾ (یوسف، ۹۲) «... امروز هیچ ملامت و سرزنشی بر شما نیست، خدا شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است».

خدای سبحان نیز بشارت داده است که توبه‌کنندگان، محبوب او هستند: ﴿... إِنَّ اللهَ يُحِبُّ التَّوَّابينَ...﴾ (بقره، ۲۲۲).

● عجله نکردن در تنبیه و به تعویق‌انداختن آن

«عجله نکردن در تنبیه و به تعویق انداختن آن» را می‌توان یکی از اصول تنبیه اسلامی دانست. گاهی تأخیر و به تعویق‌انداختن تنبیه، می‌تواند آثار اصلاحی و تربیتی مطلوب‌تری در پی داشته باشد به‌طوری‌که هدف از تنبیه، حاصل گردد. ازاین‌رو، حضرت علی(ع) پیروان خود را از تعجیل در تنبیه برحذر داشته است: ﴿لَا تُعَاجِلِ الذَّنْبَ بِالْعُقُوبَةِ وَ اتْرُكْ بَيْنَهُمَا لِلْعَفْوِ مَوْضِعاً تُحْرِزْ بِهِ الْأَجْرَ وَ الْمَثُوبَةَ﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۶) «تعجیل مکن گناه را به عقوبت کردن و بگذار میانهٔ آن‌ها از برای بخشایش موضعی که جمع کنی

به آن اجر و ثواب را»؛ یعنی هر گاه کسی گناهی کرد در عقوبتش تعجیل مکن و فاصله‌ای بگذار میان آن گناه و عقوبت تا اینکه خشم تو فرو نشیند و شاید عفو کنی و به‌سبب آن، اجر و ثواب را جمع کنی (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۶: ۳۰۶).

همچنین فرمود: ﴿**لَا تُسْرِعَنَّ إِلَى بَادِرَةٍ وَ لَا تُعَجِّلَنَّ بِعُقُوبَةٍ وَجَدْتَ عَنْهَا مَنْدُوحَةً فَإِنَّ ذَلِکَ مَنْهَکَةٌ لِلدِّینِ تَقَرُّبٌ مِنَ الْغِیَرِ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۰۱) «شتاب مکن در تندی و خشم، و تعجیل مکن در عقوبت...».

امام علی(ع) در نامه‌ای که به پسرش امام حسن(ع) نوشت، چنین می‌فرماید:

﴿**وَ إِیَّاکَ وَ التَّغَایُرَ فِی غَیْرِ مَوْضِعِ غَیْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِکَ یَدْعُو الصَّحِیحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السَّقَمِ وَ لَکِنْ أَحْکِمْ أَمْرَهُنَّ فَإِنْ رَأَیْتَ ذَنْباً فَعَاجِلِ النَّکِیرَ عَلَى الْکَبِیرِ وَ الصَّغِیرِ وَ إِیَّاکَ أَنْ تُعَاقِبَ فَتُعْظِمَ الذَّنْبَ وَ تُهَوِّنَ الْعَتْبَ وَ أَحْسِنْ لِلْمَمَالِیکِ الْأَدَبَ وَ أَقْلِلِ الْغَضَبَ وَ لَا تُکْثِرِ الْعَتْبَ فِی غَیْرِ ذَنْبٍ فَإِذَا اسْتَحَقَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ ذَنْباً فَأَحْسِنِ الْعَذْلَ فَإِنَّ الْعَذْلَ مَعَ الْعَفْوِ أَشَدُّ مِنَ الضَّرْبِ لِمَنْ کَانَ لَهُ عَقْلٌ وَ لَا تُمْسِکْ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ وَ خَفِ الْقِصَاصَ**﴾ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۷۸). «مبادا غیرتمندیِ بی‌جا نشان‌دهی (و بدبینی نمایی) زیرا از این رهگذر آنان که درست‌اند به نادرستی کشیده می‌شوند؛ ولی کار آن‌ها را محکم گیر و اگر گناهی دیدی زود بر خُرد و کلان منکَر شمار؛ (اما) مبادا که (زود) کیفر کنی و گناه را بزرگترسازی و ملامت را بی‌ارج داری. بندگان را به نیکویی پرورش ده، و کمتر (بر آنان) خشم گیر و بی‌گناه (آنان را) بسیار سرزنش مکن، و اگر گناه یکی از آنان ثابت شد نکوهشی نیکو و مناسب کن که نکوهش همراه با گذشت برای کسی که خرد دارد مؤثرتر از زدن (و تنبیه بدنی) است و بر آن‌که خرد ندارد نیز سخت مگیر و در قصاص او تخفیف ده» (اتابکی، ۱۳۷۶: ۹۰).

در نگرهٔ حضرت علی(ع) تعجیل در تنبیه، فضیلت مدیر را از بین می‌برد: ﴿**مَنْ عَاقَبَ الْمُذْنِبَ فَسَدَ فَضْلُه**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۶۵) «هر که گنهکار را عقوبت کند، فضل او فاسد شود». یعنی فضل و افزونیِ مرتبه نخواهد داشت، یا اگر داشته باشد با آن عقوبت، فاسد شود (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵: ۲۱۰). ازاین‌رو، امام علی(ع) «سعه صدر» را لازمهٔ ریاست و مدیریت دانسته است: «ابزار ریاست و سروری، سعه صدر و دریادلی است» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۱: ۲۵۳).

راهکارهایی برای «تعویق در تنبیه»

در سیرهٔ علوی، «تغافل» و «تجاهل» و «احتمال» راهکارهایی برای پرهیز از عجله و به تعویق‌انداختن تنبیه هستند. حضرت علی فرموده است: ﴿لَا حِلْمَ كَالتَّغَافُلِ﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۴) «هیچ حلمی مانند تغافل (خود را به غفلت زدن) نیست». همچنین: ﴿لَا عَقْلَ كَالتَّجَاهُلِ﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۲) «هیچ عقلی مانند تجاهل (خود را به جهل زدن) نیست».

امام علی(ع) با استفاده از شیوهٔ تغافل، پیروان را از خرده‌گیری و ریزبینی‌های افراطی، برحذر داشته است: ﴿لَا تُدَاقُّوا النَّاسَ وَزْناً بِوَزْنٍ وَ عَظِّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ﴾ یعنی «با مردم دربارهٔ ریز امور حسابگری نکنید، و بر ارزش خود با چشم‌پوشی از امور ناچیز بیفزایید»(حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۵۳).

﴿مِنْ أَشْرَفِ أَفْعَالِ الْكَرِيمِ تَغَافُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۲۰) یعنی: از بلندمرتبه‌ترین کارهای کریم و شخص بلندمرتبه، تغافل کردن است از آنچه بداند. منظور تغافل کردن است از آنچه بداند از بی‌ادبی‌ها و بدی‌های مردم نسبت به خویش و در صدد انتقام بر نیامدن بلکه اصلاً اظهار نکردن آن‌ها، به‌طوری‌که گویا از آن‌ها بی‌خبر است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۶: ۲۲).

افزون‌بر این، امام علی(ع) به «مدارا و تحمّل گناهان و بی‌ادبی‌ها» نیز سفارش فرموده است: ﴿نِصْفُ الْعَاقِلِ احْتِمَالٌ وَ نِصْفُهُ تَغَافُلٌ﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۴). «عاقل بودن نصفش «احتمال» و نصف دیگرش تغافل است». احتمال به‌معنای تحمّل گناهان و بی‌ادبی‌های مردم است؛ پس هرجا تغافل ممکن باشد عاقل تغافل می‌کند، و هرجا ممکن نباشد تحمّل می‌کند (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۶: ۱۷۳).

• پرهیز از تکرار زودهنگام تنبیه

بیان شد که «تنبیه» روشی برای بازسازی و تعمیر است. مسلماً بازسازی و تعمیر، زمان‌بر و تدریجی است، پس مدیر و مربی، نباید انتظار اصلاح دفعی و ناگهانی خطاکار را داشته باشد. ازاین‌رو باید به تنبیه‌شونده فرصت بازیابی و بازسازی داده شود. این مطلب در کلام امیر، چنین بیان شده است:

﴿وَ إِيَّاكَ أَنْ تُكَرِّرَ الْعَتْبَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُغْرِي بِالذَّنْبِ وَ يُهَوِّنُ الْعَتْبَ﴾

(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۲۳) «بپرهیز از اینکه تکرار کنی سرزنش را زیرا حرص بر گناه را زیاد می‌کند و سرزنش را خوار می‌گرداند [یعنی اثر سرزنش را از بین می‌برد و آن را بی‌فایده و بی‌تأثیر می‌نماید].

- **تفهیم و تبیین «دلیل تنبیه و مصداق تنبیه»**

تبیین هدف و فلسفهٔ تنبیه، یکی از اصول عدالت و از ضروریات اجرای تنبیه است. لازم است که فلسفه و ضرورت تنبیه تبیین گردد و دلیل تنبیه یا توبیخ، به تنبیه‌شونده اعلام شود و برای تنبیه‌شونده روشن شود که تنبیه، ابزاری برای تربیت است نه برای سرکوبی و انتقام. در این راستا، می‌توان مصداق تنبیه را چنین تبیین نمود که «تنبیه» مربوط به فعل فرد است نه شخص و شخصیت او (قرائتی، ۱۳۹۷: ۲۴۱)؛ در قرآن کریم آمده است که حضرت لوط(ع) خطاب به قوم خطاکارش گفت: ﴿**قالَ إِنِّی لِعَمَلِکُمْ مِنَ الْقالینَ**﴾ (شعرا، ۱۶۸) «گفت: به‌راستی من دشمن کردار شمایم» (فولادوند، ۱۴۱۸ق: ۳۷۴).

همچنین می‌توان به این نکتهٔ مثبت اشاره نمود که اساساً در فعل تنبیه، امیدواری برای هدایت شدن، اصلاح شدن و تربیت شدن وجود دارد بر خلاف فرایند «اخراج» که حاکی از قطع امید و نبودِ امکان اصلاح است.

روش‌های تنبیه

اجرای «تنبیه» روش‌های متعددی دارد که همچون روش‌های درمانی هستند و لازم است از آن‌ها متناسب با موقعیت و نوع درد و احوال خطاکار[1]، به‌درستی استفاده شود. از یک منظر، می‌توان روش‌های تنبیه در سیرهٔ علوی را به دو روش کلی «گفتاری» و «رفتاری» تقسیم کرد (مردانی، ۱۳۹۰).

به‌عنوان نمونه‌ای از تنبیه رفتاری (تنبیه بدنی) در سیرهٔ امام علی(ع) می‌توان به گداختن آهن‌پاره و نزدیک کردن آن به پوست برادرش عقیل، به‌منظور یادآوریِ آتش جهنم و منصرف کردن وی از درخواست ناحق از بیت‌المال، اشاره نمود (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۸۴۹).

---

۱. در نظر نگرفتن وضعیت و احوال خطاکار، صدمات جبران‌ناپذیری در پی دارد. گاه فشارهای روانی به‌دنبال مصیبت‌های دنیوی مانند گرفتاری‌های مادی، تصادف، بیماری و مرگ عزیزان و... باعث خطا یا بی‌انضباطی می‌شود؛ تنبیه خطاکار در چنین حالتی، بسیار حساس است و می‌تواند بسیار مضر و حتی خطرناک (آسیب‌رسانی به خود و دیگران) گردد.

امـام علـی(ع) خیانـت بـه بیت‌المـال را برنمی‌تابد و به مالک اشـتر، اجـازهٔ تازیانه می‌دهد:

«از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی، قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار، و خیانتکار بشمار، و طوق بدنامی به گردنش بیفکن» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: ۵۷۹).

«تنبیه گفتاری» در سیرهٔ علوی، شامل برخورد گفتاری آن حضرت است که برخی از آن‌ها در خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان مطرح شده است. برای نمونه، در خطبهٔ ۲۵ آمده است وقتی دو عاملش در یمن پس از شکست خوردن از «بسر بن ارطاة» به حضورش رسیدند، از سستی یارانش در جهاد و مخالفتشان با رأی آن جناب آزرده‌خاطر شد، به منبر رفت و فرمود:

«شنیده‌ام بسر وارد یمن شده؛ سوگند به خدا! می‌بینم که این قوم به‌زودی بر شما چیره شوند، به‌خاطر اجتماعی که بر باطلشان دارند، و تفرقه‌ای که شما از حق دارید، و محض اینکه شما در راه حق به امام خود عاصی هستید، و آنان در راه باطل، مطیع رهبر خویش‌اند، و به علت اینکه آنان امانت او را ادا می‌کنند، و شما خیانت می‌ورزید، و به جهت اینکه آنان در شهرهای خود درستکارند و شما فاسد هستید. من اگر قدح چوبینی در اختیار شما بگذارم، می‌ترسم بند بی‌ارزش آن را به غارت ببرید. الهی من از اینان ملول شده‌ام و آنان از من؛ من از اینان افسرده‌ام و آنان از من؛ پس بهتر از اینان را به من عنایت کن، و به‌جای من شرّی را بر ایشان بگمار» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۸: ۲۳).

در خطبهٔ ۲۷ نیز آن حضرت اصحاب خود را دربارهٔ خطای «ترک جهاد»، این‌چنین مورد نکوهش و ملامت قرار می‌دهد:

«عجبا عجبا!... رویتان زشت و قلبتان غرق غم باد، که خود را هدف تیر دشمن قرار دادید،... در تابستان شما را دعوت به جهاد با آنان می‌کنم گویید: هوا گرم است، مهلت ده تا گرما برود. و در زمستان شما را می‌خوانم گویید: هوا

سرد است، مهلت ده تا سرما بنشیند... ای نامردان مرد نما، دارندگان رؤیاهای کودکانه، و عقل‌هایی به‌اندازهٔ عقل زنان حجله‌نشین، ای کاش شما را ندیده بودم و نمی‌شناختم. به خدا قسم حاصل شناختن شما پشیمانی و غم و غصّه است. خدا شما را بکشد، که دلم را پر از خون کردید، و سینه‌ام را مالامال خشم نمودید، و پی در پی جرعهٔ اندوه به کامم ریختید، و تدبیرم را به نافرمانی و ترک یاری تباه کردید» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۸: ۲۶).

درمجموع می‌توان روش‌های تنبیه در سیرهٔ علوی را به دو روش کلی‌تر «قهری» و «غیرقهری» تقسیم کرد: نکوهش، عتاب، ملامت و سرزنش، تهدید، تحدید، تحریم، جریمه، کیفر... از گونه‌های تنبیه قهری به‌شمار می‌آیند که پیش‌تر به نمونه‌هایی اشاره شد.

اگرچه معمولاً «امر به معروف، نصیحت و موعظه» جزو روش‌های تنبیه انگاشته نمی‌شوند اما به‌دلیل برخورداری از ماهیت آگاه‌سازی، می‌توان آن‌ها را نیز گونه‌ای از «تنبیه غیرقهری» دانست که هم پیش از خطا و هم پس از خطا قابل انجام است.

کنایه و تعریض، پاداش دادن به نیکوکاران، ملاطفت و احسان نسبت به خطاکاران، سکوت در برابر جاهلان، از گونه‌های تنبیه غیرقهری هستند که در آموزه‌های امیرمؤمنان مطرح شده‌اند. در ادامه به برخی از مستندات این مطلب اشاره می‌شود:

ـ کنایه برای عاقلان؛ تصریح برای جاهلان: روش تنبیه برای عاقلان و جاهلان باید متفاوت باشد. از دیدگاه حضرت علی(ع)، اگر کسی خردمند و عاقل باشد، یک کنایه و تعریض، شدیدترین عقاب برای اوست: ﴿**التَّعْرِيضُ لِلْعَاقِلِ أَشَدُّ عِتَابِهِ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۵). بنابراین، گاه در تنبیه عاقلان می‌توان از روش غیرقهری و غیرمستقیم «اشاره و کنایه» استفاده کرد؛ درصورتی‌که جاهلان، بیشتر نیازمند برخورد صریح و تأدیب قهری و مستقیم هستند.

ـ پاداش دادن به نیکوکاران: در نظام تربیتی امام علی(ع)، یکی از روش‌های تنبیه و اصلاح بدکاران، «پاداش دادن به نیکوکاران» دانسته شده است، آنجا که می‌فرماید: ﴿**ازْجُرِ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ**﴾ (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۵۰۱) «با پاداش دادن به نیکوکار، بدکار را برنجان».

ـ احسان و ملاطفت نسبت به خطاکاران: در آموزه‌های علوی، به نوع دیگری از تنبیه غیرمستقیم نیز اشاره شده است؛ به‌طوری‌که گاهی «احسان و ملاطفت» یکی از روش‌های تنبیه دانسته شده است زیرا باعث شرمندگی خطاکار می‌گردد و آثار تربیتی شگرفی را برجا می‌گذارد. در قرآن کریم آمده است: ﴿... **ادْفَعْ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ...**﴾ (فصلت، ۳۴) «... [بدی را] با بهترین شیوه دفع کن...»؛ یا ﴿**وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً وَ إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً**﴾ (فرقان، ۶۳) «و بندگان (واقعی خدای) رحمان کسانی‌اند که بر (روی) زمین با آرامش و فروتنی راه می‌روند، و چون نادانان آن‌ها را (به گفتار ناروا) طرف خطاب قرار دهند آن‌ها سلام (سخنی مسالمت‌آمیز و دور از خشونت) گویند» (مشکینی، ۱۳۸۱: ۳۶۵).

این شیوه از تنبیه در سیرهٔ معصومان علیهم‌السلام، فراوان یافت می‌شود. رسول اکرم(ص) توصیه فرموده است: ﴿**أحسِن إلی مَن أساء إلیک**﴾ یعنی: «خوبی کن به کسی که به تو بدی کرده است» (پاینده، ۱۳۶۳: ۵۴۴).

حضرت علی(ع) نیز آموزش می‌دهد که بدی را با خوبی دفع کنید: ﴿**ضَادُّوا الشَّرَّ بِالْخَیْرِ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۰۶)؛ ﴿**ضَادُّوا الْإِسَاءَةَ بِالْإِحْسَانِ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۸۲). امیرمؤمنان به نقش تنبیهی «احسان» چنین اشاره فرموده است: ﴿**عَاتِبْ أَخَاکَ بِالْإِحْسَانِ إِلَیْهِ وَ ارْدُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَیْهِ**﴾ (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۵۰۰) یعنی «با احسان، دوستت را سرزنش کن، و با بخشش، بدرفتاریش را از خود بگردان». آن حضرت در نامه‌ای به یکی از فرماندهان خود می‌نویسند: ﴿**وَ ارْفُقْ مَا کَانَ الرِّفْقُ أَرْفَقَ وَ اعْتَزِمْ بِالشِّدَّةِ حِینَ لَا تُغْنِی عَنْکَ إِلَّا الشِّدَّةُ**﴾ (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۴۲۰) یعنی در آنجا که مدارا کردن کار را پیش می‌برد، بهتر است مدارا کنی، و تنها در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن.

ـ سکوت: از کلام امیر برمی‌آید که گاه «سکوت» خود نوعی عقوبت و تنبیه است: «**أَعْقَلُ النَّاسِ مَنْ لَا یَتَجَاوَزُ الصَّمْتَ فِی عُقُوبَةِ الْجُهَّالِ**» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۲).

آن حضرت در جای دیگر فرموده است: ﴿**کَلَامُ الْعَاقِلِ قُوتٌ وَ جَوَابُ الْجَاهِلِ سُکُوتٌ**﴾ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۱).

کدهای تحقیق

در این مرحله سه نوع کدگذاری شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام داده‌ایم. این کار به‌منظور خلاصه کردن انبوهی از اطلاعات گردآوری‌شده صورت گرفته است.

کدهای باز: در این بخش آیه‌های احصاشده، بررسی و تجزیه‌وتحلیل شدند، و بر اساس ماهیت مفهومی‌شان تفکیک و تحت عنوان مقوله‌های تحقیق دسته‌بندی شدند.

جدول۱. کُدهای باز احصا شده در حوزه تنبیه در آموزه‌های اسلامی

کد	آغاز گزاره	پایان گزاره	مصداق	حوزه	پوشش
روش‌های تنبیه/ ملامت نیکو	۳	۳	فَإِنَّ الْعَذْلَ مَعَ الْعَفْوِ أَشَدُّ مِنَ الضَّرْبِ	۵۶	۰/۷۹
روش‌های تنبیه/ پرهیز از ملامت مکرر	۶	۶	وَ إِيَّاكَ أَنْ تُكَرِّرَ الْعَتْبَ	۳۷	۰/۵۲
آسیب‌های تنبیه غیراصولی/ تعجیل در تنبیه عامل گسترش خطا و بی‌ارزش شدن ملامت	۷	۷	وَ إِيَّاكَ أَنْ تُعَاقِبَ فَتُعْظِمَ الذَّنْبَ وَ تُهَوِّنَ الْعَتْبَ	۷۱	۱/۰۱
آداب و اصول تنبیه/ تنبیه تنها در موضعی که مدارا کارگر نباشد	۸	۸	مَنْ لَمْ يُصْلِحْهُ حُسْنُ الْمُدَارَاةِ أَصْلَحَهُ سُوءُ الْمُكَافَاةِ	۷۶	۱/۰۸
هدف تنبیه/تنبیه، رحمت پروردگار و عامل عاقبت‌بخیری	۹	۹	إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ	۱۷۹	۲/۵۷
هدف تنبیه/ رحمت پروردگار و عامل عاقبت‌بخیری	۱۰	۱۰	فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ	۳۰	۰/۴۳
هدف تنبیه/ تنبیه عاملی برای فروتن کردن خطاکار	۱۲	۱۲	فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ	۷۱	۱/۰۱
هدف تنبیه/ تنبیه عاملی برای فروتن کردن خطاکار	۱۳	۱۳	أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ	۷۳	۱/۰۷
ضرورت تنبیه/ عاملی برای منع کردن خطاکار از خطا	۱۴	۱۴	تَدْرِيباً لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ	۵۰	۰/۷۱

جدول ۱. (ادامه)

کد	آغاز گزاره	پایان گزاره	مصداق	حوزه	پوشش
هدف تنبیه/ تنبیه برای تأدیب	۱۵	۱۵	الْأَشْرَارِ بِتَأْدِيبِهِمْ	۲۸	۰/۴۰
ضرورت تنبیه/ عقوبت، اثر تکوینی خطا	۱۶	۱۶	مَنْ خَافَ‌الْعِقَابَ انْصَرَفَ عَنِ‌السَّيِّئَاتِ	۵۳	۰/۷۵
هدف تنبیه/ تنبیه عاملی برای تذکر	۱۷	۱۷	أَخَذْنا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنينَ وَ نَقْصٍ مِنَ‌الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ	۸۹	۱/۲۶
ضرورت تنبیه/ تنبیه عامل تشویق نیکوکاران و ترغیب افراد به نیکوکاری	۲۲	۲۲	تَزْهِيداً لِأَهْلِ‌الْإِحْسَانِ فِي‌الْإِحْسَانِ	۴۹	۰/۶۹
ضرورت تنبیه/ تنبیه برای تمییز بین نیکوکار و خطاکار	۲۵	۲۵	وَ لَا يَكُونَنَ‌الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ	۷۵	۱/۰۶
آسیب‌های تنبیه غیراصولی/ مأیوس شدن خطاکار در نتیجهٔ تنبیه نامتعادل	۲۶	۲۶	لَا تُؤْيِسَنَ مُذْنِباً	۲۵	۰/۳۵
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از افراط در تنبیه	۲۷	۲۷	فَكَمْ عَاكِفٍ عَلَى ذَنْبِهِ خُتِمَ لَهُ بِالْمَغْفِرَةِ	۵۸	۰/۸۲
ضرورت تنبیه/ فلسفهٔ نیاز به تنبیه – زیاده‌خواهی و گرایش نفس به سوی بدی‌ها	۲۸	۲۸	وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسي إِنَّ‌النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلاَّ ما رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحيمٌ	۱۱۵	۱/۶۳
ضرورت تنبیه/ فلسفهٔ نیاز به تنبیه – زیاده‌خواهی و گرایش نفس به سوی بدی‌ها	۲۹	۲۹	إِنَّ هَذِهِ‌النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ فَمَنْ أَهْمَلَهَا جَمَحَتْ بِهِ إِلَى‌الْمَآثِمِ	۹۹	۱/۴۰
ضرورت تنبیه/ فلسفهٔ نیاز به تنبیه – زیاده‌خواهی و گرایش نفس به سوی بدی‌ها	۳۰	۳۰	إِنَّ‌النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ فَمَنِ ائْتَمَنَهَا خَانَتْهُ وَ مَنِ اسْتَنَامَ إِلَيْهَا أَهْلَكَتْهُ وَ مَنْ رَضِيَ عَنْهَا أَوْرَدَتْهُ شَرَّ‌الْمَوَارِدِ	۱۸۴	۲/۶۱
آداب و اصول تنبیه/ تناسب تنبیه با طاقت خطاکار	۳۵	۳۵	لا يُكَلِّفُ‌اللهُ نَفْساً إِلّا وُسْعَها لَها ما كَسَبَتْ وَ عَلَيْها مَا اكْتَسَبَتْ	۸۸	۱/۲۵
آداب و اصول تنبیه/ تناسب تنبیه با طاقت خطاکار	۳۶	۳۶	رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ عَلَيْنا إِصْراً كَما حَمَلْتَهُ عَلَى‌الَّذينَ مِنْ قَبْلِنا	۸۴	۱/۱۹
آداب و اصول تنبیه/ تناسب تنبیه با طاقت خطاکار	۳۷	۳۷	رَبَّنا وَ لا تُحَمِّلْنا ما لا طاقَةَ لَنا بِهِ	۴۸	۰/۶۸
آداب و اصول تنبیه/ تنبیه مرحله‌ای – آغاز از مراتب خفیف	۳۸	۳۸	وَاللاَّتي تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي‌الْمَضاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ	۱۰۰	۱/۴۲

جدول ۱. (ادامه)

کد	آغاز گزاره	پایان گزاره	مصداق	حوزه	پوشش
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از بزرگ جلوه دادن خطا	۴۰	۴۰	إِيَّاکَ... فَتُعْظِمَ الذَّنْبَ	۳۲	۰/۴۵
آداب و اصول تنبیه/ سخت نگرفتن بر خطاکار جاهل و تخفیف در مقدار تنبیه	۴۱	۴۱	لَا تُمْسِکْ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ	۳۷	۰/۵۲
آداب و اصول تنبیه/ سخت نگرفتن بر خطاکار جاهل و تخفیف در مقدار تنبیه	۴۲	۴۲	خَفِ الْقِصَاص	۱۵	۰/۲۱
روش‌های تنبیه/ باقی‌گذاشتن جایی‌برای بخشش خطاکار	۴۵	۴۵	وَ اتْرُکْ بَیْنَهُمَا لِلْعَفْوِ مَوْضِعاً	۴۳	۰/۶۱
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از عجله در تنبیه کردن	۵۱	۵۱	لَا حِلْمَ کَالتَّغَافُلِ	۲۷	۰/۳۸
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از عجله در تنبیه کردن	۵۲	۵۲	لَا عَقْلَ کَالتَّجَاهُلِ	۲۶	۰/۳۷
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از عجله در تنبیه کردن	۵۳	۵۳	عَظِّمُوا أَقْدَارَکُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدَّنِیِّ مِنَ الْأُمُورِ	۷۱	۰/۰۱
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از عجله در تنبیه کردن	۵۴	۵۴	مِنْ أَشْرَفِ أَفْعَالِ الْکَرِیمِ تَغَافُلُهُ عَمَّا یَعْلَمُ	۶۴	۰/۹۱
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از عجله در تنبیه کردن	۵۵	۵۵	نِصْفُ الْعَاقِلِ احْتِمَالٌ وَ نِصْفُهُ تَغَافُلٌ	۵۰	۰/۷۱
روش‌های تنبیه/ سکوت یکی از روش‌های تنبیه	۵۶	۵۶	أَعْقَلُ النَّاسِ مَنْ لَا یَتَجَاوَزُ الصَّمْتَ فِی عُقُوبَةِ الْجُهَّالِ	۷۹	۰/۱۲
روش‌های تنبیه/ لزوم استفاده از روش‌های متفاوت در اجرای تنبیه، متناسب با وضعیت خطاکار	۵۷	۵۷	التَّعْرِیضُ لِلْعَاقِلِ أَشَدُّ عِتَابِهِ	۴۳	۰/۶۱
روش‌های تنبیه/ نیکی در برابر بدی به‌جای تنبیه	۵۸	۵۸	ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ	۳۲	۰/۴۵
روش‌های تنبیه/ نیکی در برابر بدی به‌جای تنبیه	۵۹	۵۹	ضَادُّوا الشَّرَّ بِالْخَیْرِ	۲۹	۰/۴۱
روش‌های تنبیه/ نیکی در برابر بدی به‌جای تنبیه	۶۰	۶۰	ضَادُّوا الْإِسَاءَةَ بِالْإِحْسَانِ	۳۶	۰/۵۱
آداب و اصول تنبیه/ تنبیه همراه با دلسوزی	۶۱	۶۱	اخْلِطِ الشِّدَّةَ بِرِفْقٍ	۲۷	۰/۳۸

جدول ۱. (ادامه)

کد	آغاز گزاره	پایان گزاره	مصداق	حوزه	پوشش
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از خشونت در تنبیه	۶۶	۶۶	إِذَا عَاقَبْتَ فَارْفُقْ	۲۶	۰/۳۷
روش‌های تنبیه/ پاداش دادن به نیکوکار روشی برای تنبیه خطاکار	۶۷	۶۷	ازْجُرِالْمُسِیءَ بِثَوَابِ‌الْمُحْسِنِ	۴۱	۰/۵۸
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از تنبیه خطاکار پس از پشیمانی و اصلاح	۶۸	۶۸	فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً	۵۳	۰/۷۵
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از تنبیه خطاکار پس از پشیمانی و اصلاح	۶۹	۶۹	لا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ‌الْيَوْمَ	۳۴	۰/۴۸
آداب و اصول تنبیه/ گذشت از خطاهای کوچک	۷۰	۷۰	لَا تُدَاقُّواالنَّاسَ وَزْناً بِوَزْنٍ	۴۰	۰/۵۷
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از عجله در تنبیه کردن	۴۴	۴۴	لَا تُعَاجِلِ‌الذَّنْبَ بِالْعُقُوبَةِ	۴۰	۰/۵۷
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از عجله در تنبیه کردن	۴۹	۴۹	إِيَّاكَ أَنْ تُعَاقِبَ	۲۳	۰/۳۳
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از عجله در تنبیه کردن	۴۷	۴۷	لَا تُعَجِّلَنَّ بِعُقُوبَةٍ وَجَدْتَ عَنْهَا مَنْدُوحَةً	۵۷	۰/۸۱
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از عجله در تنبیه کردن	۴۶	۴۶	لَا تُسْرِعَنَ إِلَى بَادِرَةٍ	۳۲	۰/۴۵
آداب و اصول تنبیه/ تنبیه تنها در موضعی که مدارا کارگر نباشد	۵	۵	وَ اعْتَزِمْ بِالشِّدَّةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّاالشِّدَّةُ	۷۱	۰/۰۱
ضرورت تنبیه/ عقوبت، اثر تکوینی خطا	۲۴	۲۴	مَنْ أَيْقَنَ بِالْمُجَازَاةِ لَمْ يُؤْثِرْ غَيْرَالْحُسْنَى	۶۳	۰/۸۹
ضرورت تنبیه/ عقوبت، اثر تکوینی خطا	۱۱	۱۱	لِكُلِ سَيِّئَةٍ عِقَابٌ	۲۵	۰/۳۵
روش‌های تنبیه/ نرمی با خطاکار مادام که کارگر باشد	۶۲	۶۲	ارْفُقْ مَا كَانَ‌الرِّفْقُ أَوْفَقَ	۳۹	۰/۵۵
روش‌های تنبیه/ گذشت به‌جای تنبیه در صورت امکان	۶۴	۶۴	عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ	۴۲	۰/۶۰
روش‌های تنبیه/ گذشت به‌جای تنبیه در صورت امکان	۶۵	۶۵	ارْدُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ	۴۰	۰/۵۷

جدول ۱. (ادامه)

کد	آغاز گزاره	پایان گزاره	مصداق	حوزه	پوشش
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از افراط در تنبیه	۳۹	۳۹	إِذَا عَاتَبْتَ فَاسْتَبْقِ	۲۹	۰/۴۱
روش‌های تنبیه/ اصلاح خوبان از طریق اکرام	۲۳	۲۳	اسْتِصْلَاحُ‌الْأَخْيَارِ بِإِكْرَامِهِمْ	۴۳	۰/۶۱
آداب و اصول تنبیه/ تعادل در تنبیه و تناسب آن با مقدار خطا	۳۱	۳۱	لِكُلِّ امْرِءٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ‌الْإِثْمِ	۵۴	۰/۷۷
آداب و اصول تنبیه/ تعادل در تنبیه و تناسب آن با مقدار خطا	۳۲	۳۲	الَّذِی تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذابٌ عَظِيمٌ	۵۵	۰/۷۸
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از عجله در تنبیه کردن	۴	۴	مَنْ عَاقَبَ‌الْمُذْنِبَ فَسَدَ فَضْلُه	۴۲	۰/۶۰
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از خشونت در تنبیه	۵۰	۵۰	أَقْلِلِ‌الْغَضَبَ	۱۸	۰/۲۶
روش‌های تنبیه/ پرهیز از ملامت مکرر	۳۳	۳۳	الْإِفْرَاطُ فِی‌الْمَلَامَةِ يَشُبُّ نَارَ‌اللَّجَاجَةِ	۵۷	۰/۸۱
روش‌های تنبیه/ پرهیز از ملامت مکرر	۳۴	۳۴	لَا تُكْثِرَنَ‌الْعِتَابَ فَإِنَّهُ يُورِثُ‌الضَّغِينَةَ و يَدْعُو إِلَى‌الْبَغْضَاءِ	۸۸	۰/۲۵
روش‌های تنبیه/ پرهیز از ملامت مکرر	۴۳	۴۳	لَا تُكْثِرِ‌الْعَتْبَ	۲۲	۰/۳۱
آداب و اصول تنبیه/ پرهیز از عجله در تنبیه کردن	۶۳	۶۳	أحسِن إلى مَن أساء إليک	۲۶	۰/۳۷
روش‌های تنبیه/ ملامت نیکو	۲	۲	فَإِذَا اسْتَحَقَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ ذَنْباً فَأَحْسِنِ‌الْعَذْلَ	۶۴	۰/۹۱
هدف تنبیه/ تنبیه، رحمت پروردگار و عامل عاقبت‌بخیری	۱۸	۱۸	وَ بَلَوْناهُمْ بِالْحَسَناتِ وَالسَّيِّئاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ	۷۰	۰/۹۹
هدف تنبیه/ تنبیه، رحمت پروردگار و عامل عاقبت‌بخیری	۱۹	۱۹	لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ‌الَّذِی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ	۶۱	۰/۸۶
هدف تنبیه/ تنبیه، رحمت پروردگار و عامل عاقبت‌بخیری	۲۰	۲۰	وَ لَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ‌الْعَذابِ‌الْأَدْنى دُونَ‌الْعَذابِ‌الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ	۹۷	۰/۳۷
هدف تنبیه/ تنبیه، رحمت پروردگار و عامل عاقبت‌بخیری	۲۱	۲۱	وَ أَخَذْناهُمْ بِالْعَذابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ	۵۲	۰/۷۴
آداب و اصول تنبیه/ درک احوال و موقعیت خطاکار	۲	۲	فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ... فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَ قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَ قُلْنَ حاشَ لله ما هذا بَشَراً إِنْ هذا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ	۱۲۸	۰/۰۲

فرایند شناسایی کدهای باز به روش زیر انجام شد، که یک نمونه را در مقاله ذکر نمودیم (جدول۲):

جدول۲. نمونه‌ای از روش شناسایی و مفهوم‌پردازی کُدهای باز

متن آیه	مقوله‌های اولیه	مقولهٔ اصلی	نظر مکمّل
وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا إِلى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْناهُمْ بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (أنعام، ۴۲).	أَرْسَلْنا إِلى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ	و بی‌تردید ما به‌سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم؛ پس آنان را [هنگامی که با پیامبران به مخالفت و دشمنی برخاستند] به تهیدستی و سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، باشد که [در پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند.	در این آیه به مواجه ساختن امت‌ها با مشکلات و حوادث سخت به‌منظور بیداری و بازگشت ایشان به‌سوی خدای تبارک و تعالی اشاره شده است. أَرْسَلْنا إِلى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ: در این آیه خدای سبحان برای پیغمبر گرامی، رفتار خود را با اممی که قبل از وی می‌زیسته‌اند، ذکر می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲۶/۷)
	فَأَخَذْناهُمْ بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ		فَأَخَذْناهُمْ بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ: «بأساء» به‌معنای جنگ، فقر، قحطی، سیل، زلزله و امراض مُسری است و «ضرّاء» به‌معنای غم، غصه، آبروریزی، جهل و ورشکستگی است. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۴۵۵/۲)
	لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ		لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ: به امید آنکه به درگاه خدای تبارک و تعالی تضرع و دعا کنند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۴۲۵/۶)

کدهای محوری: در جدول (۳) کدهای محوری با ۵ کد اصلی گردآوری شده است. در احصای کدهای محوری با استفاده از ابزار مصاحبه از نظر متخصصان موضوعی بهره‌مند شدیم. جدول کدهای محوری حاکی از آن است که گزاره‌های پرهیز از عجله کردن در تنبیه در حوزه اصول تنبیه با بسامد ۱۱، تنبیه مایه رحمت خدای تبارک و تعالی و راهکاری برای بازگرداندن خطاکار به سمت راه صواب در حوزه هدف تنبیه با بسامد ۶ و پرهیز از ملامت مکرر در حوزه روش‌های تنبیه با بسامد ۴ بیشترین تکرار را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول۳. کدهای محوری احصاشده در فرایند بررسی قرآن کریم

کد اصلی	زیر کد	شناسه	جایگاه	بسامد
آسیب‌های تنبیه غیراصول	گسترش خطا و بی‌ارزش شدن ملامت	۶	۳	۱
	مأیوس شدن خطاکار	۲۰	۴	۱
	لجاجت	۲۷	۱۲	۱
	کینه و دشمنی	۳۲	۱۹	۱
اهداف تنبیه	تنبیه، رحمت پروردگار و عامل عاقبت‌بخیری	۸	۲۷	۶
	تنبیه عاملی برای فروتن کردن خطاکار	۱۰	۲۹	۲
	تنبیه عاملی برای تذکر	۱۴	۳۰	۱
	تنبیه برای تأدیب	۱۲	۳۱	۱
ضرورت تنبیه	تنبیه عامل تشویق نیکوکاران و ترغیب افراد به نیکوکاری	۱۶	۲۰	۱
	تنبیه عاملی برای منع کردن خطاکار از خطا	۱۱	۲۱	۱
	تنبیه عاملی برای پیشگیری از زیاده‌خواهی‌ها و گرایش نفس‌اماره به‌سوی طغیان و خطا	۲۲	۲۲	۳
	تنتبیه و عقوبت، اثر تکوینی خطا	۱۳	۲۳	۳
	تمییز بین نیکوکار و خطاکار	۱۹	۲۵	۱

جدول ۳. (ادامه)

کد اصلی	زیر کد	شناسه	جایگاه	بسامد
آداب و اصول تنبیه	درک احوال و موقعیت خطاکار	۵۸	۲۸	۱
	تعادل در تنبیه و تناسب آن با مقدار خطا	۵۷	۳۳	۲
	گذشت از خطاهای کوچک	۴۴	۳۵	۱
	پرهیز از خشونت در تنبیه	۴۱	۳۶	۲
	پرهیز از تنبیه خطاکار پس از پشیمانی و تنبه	۴۳	۳۸	۲
	پرهیز از بزرگ جلوه دادن خطا	۲۶	۳۹	۱
	پرهیز از افراط در تنبیه	۲۱	۴۰	۲
	پرهیز از عجله در تنبیه کردن	۳۵	۴۱	۱۱
	سخت نگرفتن بر خطاکار جاهل و تخفیف در مقدار تنبیه	۲۷	۴۲	۲
	تنبیه مرحله‌ای - آغاز از مراتب خفیف	۲۵	۴۴	۱
	تنبیه تنها در موضعی که مدارا کارگر نباشد	۷	۴۵	۲
	تناسب تنبیه با طاقت خطاکار	۲۴	۴۶	۳
روش‌های تنبیه	تنبیه همراه با رفق و ملاطفت	۵۶	۶	۱
	گذشت به‌جای تنبیه در صورت امکان	۵۳	۷	۲
	نرمی با خطاکار مادام که کارگر باشد	۵۱	۹	۱
	پرهیز از ملامت مکرر	۵	۱۰	۴
	باقی گذاشتن جایی برای بخشش خطاکار	۳۰	۱۱	۱
	پاداش دادن به نیکوکار، تنبیه خطاکار	۴۲	۱۳	۱
	نیکی در برابر بدی به‌جای تنبیه	۳۸	۱۴	۳
	ملامت نیکو	۲	۱۵	۲
	لزوم استفاده از روش‌های متفاوت در اجرای تنبیه، متناسب با وضعیت خطاکار	۳۷	۱۷	۱
	سکوت	۳۶	۱۸	۱

نمودار (۲) مقوله‌های احصاشده در حوزهٔ تنبیه را در آموزه‌های اسلام به‌طور خلاصه و در قالب شبکهٔ مضامین نشان می‌دهد.

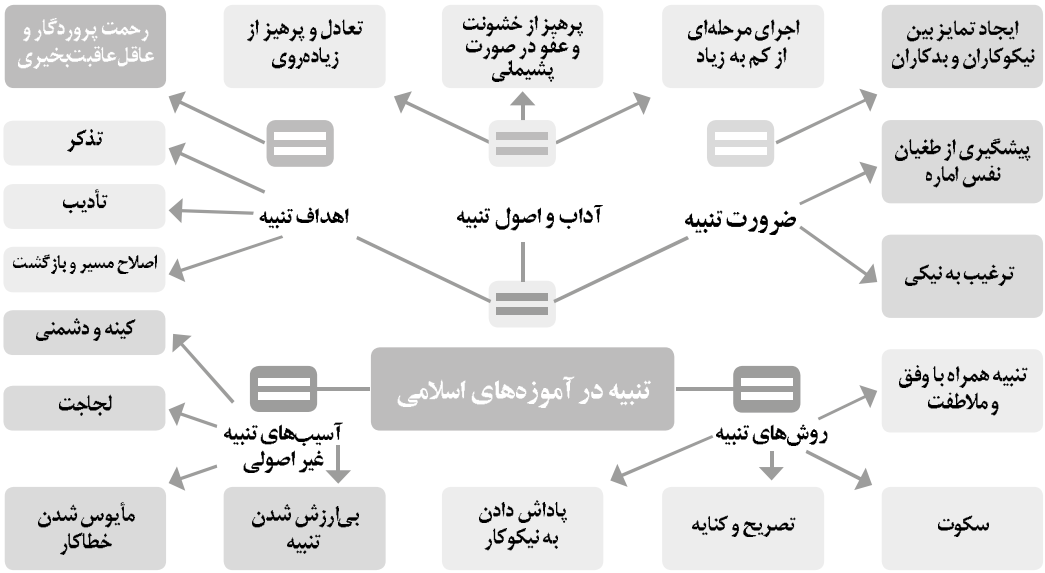

نمودار ۲. شبکه مضامین تنبیه بر اساس آموزه‌های اسلامی

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی کشف و تبیین «اهداف تنبیه اسلامی»، «آداب و اصول تنبیه اسلامی»، «روش‌های تنبیه اسلامی» و ترسیم «الگوی تنبیه بر اساس کلام الهی و سیرهٔ علوی» بود. یافته‌های این تحقیق نشان داد که تنبیه اسلامی «رحمتی از سوی مربی» و «عاملی برای عاقبت‌بخیری» است؛ «اهداف تنبیه اسلامی» عبارت‌اند از: «فروتن کردن خطاکار»، «تذکر و تلنگر»، «اصلاح مسیر حرکت و بازگشت به صراط مستقیم و ترک خطا و مسیر خطا» است. آداب و اصول تنبیه بر اساس کلام الهی و سیرهٔ علوی عبارت‌اند از: «تعادل در تنبیه و تناسب آن با مقدار خطا»، «پرهیز از تنبیه بیش از ظرفیت»، «لزوم درک احوال و موقعیت خطاکار»، «تنبیه همراه با رفق و نرمی»، «پرهیز از خشونت و تنبیه در حالت خشم»، «تنبیه به‌صورت مرحله‌ای و آغاز از مراتب خفیف و ضعیف»، «پرهیز از تنبیه بعد از تنبّه»، «عجله نکردن در تنبیه»، «پرهیز از تکرار زودهنگام تنبیه»، «تفهیم و تبیین

دلیل تنبیه و مصداق تنبیه»، «گذشت از خطاهای کوچک»، «سخت نگرفتن بر خطاکار»، «تناسب تنبیه با مقدار جرم و طاقت خطاکار». در این تحقیق روش‌های متعددی برای تنبیه ارائه شد که البته با «آداب و اصول تنبیه» ملازمت دارند و ضرورت دارد در فرایند تنبیه، روش متناسب با اوضاع و احوال خطاکار به‌کار برده شود؛ این روش‌ها بر اساس سیرهٔ علوی عبارت‌اند از: «تنبیه گفتاری» و «تنبیه رفتاری» شامل «سکوت»، «کنایه برای عاقلان و تصریح برای جاهلان» «پاداش دادن به نیکوکاران» «احسان و ملاطفت نسبت به خطاکاران و دفع بدی با خوبی». پس از احصای «اهداف»، «آداب و اصول» و «روش‌ها»، در نهایت، «الگوی تنبیه بر اساس کلام الهی و سیرهٔ علوی» ترسیم شد (نمودار۳).

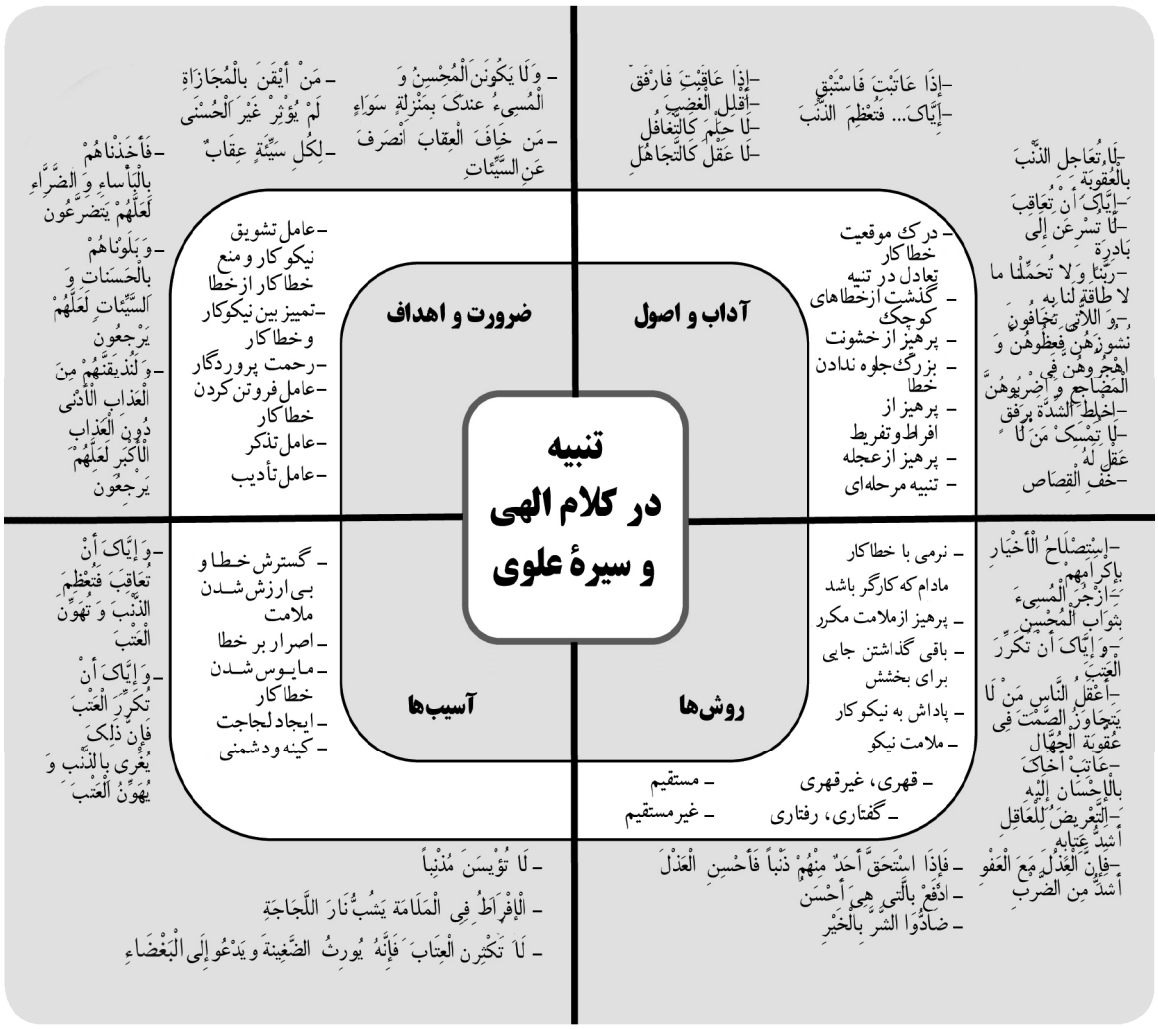

نمودار ۳. الگوی نهایی تحقیق

یافته‌های این پژوهش، تکمیل‌کنندهٔ کوشش‌های علمی و یافته‌های سایر محققانی است که در حوزهٔ تنبیه مطالعه کرده‌اند.

«تنبیه»، عملی درمانگرانه و طبیبانه و روشی برای درمان است و تنبیه‌کننده باید همچون یک طبیب عمل کند؛ ابتدا درد را بشناسد و سپس درمان و مرهم مناسب را تجویز کند؛ پیداست همچنان‌که هرگونه ناآگاهی و بی‌دقتی از سوی درمانگر، منجر به وخیم‌تر شدن اوضاع بیمار می‌شود و فاجعه‌بار خواهد بود، ناآگاهی و بی‌دقتی تنبیه‌کننده نیز فاجعه‌بار خواهد بود. بر این اساس، باید دانست که «تنبیه» کار هر کسی نیست و تنبیه‌کننده افزون بر تشخیص نوع خطا و ریشهٔ انحراف، باید از «روش تنبیه مناسب و کارا» استفاده کند تا اقدام او به کاهش خطا یا ترک جرم ختم گردد.

با نظر به اینکه «تنبیه» روشی بسیار حساس و آبستن آسیب‌های متعدد است ازاین‌رو در آموزه‌های اسلامی «مدارا و نرمی» به‌عنوان اولین روش برای برخورد با اعمال نامناسب مطرح شده و به اصل «عجله نکردن در تنبیه و به تعویق‌انداختن آن» تصریح شده است و در این راستا به راهکارهای «تغافل» و «تجاهل» و «احتمال» سفارش شده است و در صورتی‌که مدارا و نرمی سودمند نباشد، آخرین راه حل، اجرای تنبیه است زیرا «تنبیه» همچون تجویز داروی تلخی است که طبع آدمی از آن گریزان است.

با توجه به حساسیت و ظرافت سازوکار تنبیه و رواج آن در سازمان‌ها، پیشنهاد می‌شود نسبت به آموزش «اهداف»، «آداب و اصول» و «روش‌های متعدد» تنبیه، به مربیان، مدیران و مسئولان اهتمام بیشتری صورت پذیرد. ضرورت این مطلب ازآنجایی است که تبیین شد هم تنبیه‌کننده و هم تنبیه‌شونده در معرض آسیب‌های متعدد قرار می‌گیرند.

تنبیه‌کننده باید اوضاع و احوال خطاکار را درک کند و وضعیت سنی او ـ و در برخورد با جوانان، هیجانات دوران جوانی ـ را در نظر گیرد. معلم، مدیر، استاد و دست‌اندرکار نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی باید بداند که رفتار بد، گاه عارضی است نه ذاتی؛ گاه سهوی است نه عمدی؛ پس لازم است واکنشی عاقلانه و عالمانه در پیش گیرد که منجر به هدایت و تعمیر شود نه گمراهی و تخریب.

درک حساسیت و ظرافت سازوکار تنبیه، مهم‌ترین توصیهٔ محققان به مربیان و

مدیران است؛ اینکه باید در اجرای تنبیه، بسیار احتیاط نمود و دقت ورزید و آن را به‌عنوان آخرین راهکار و با روشی مناسب، به‌کار گرفت. درواقع آن تنبیهی که منجر به کاهش و ترک خطا نشود و به هدایت و اصلاح نینجامد، نشانهٔ جهل تنبیه‌کننده و گرفتاری او در افراط‌وتفریط است، چنانچه رسول اکرم(ص) فرموده است: «آن که بدون علم عمل کند آنچه خراب می‌کند بیش از آن است که اصلاح کند» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۸۱)؛ و امام علی(ع) نیز فرمود: «جاهل را نبینی مگر در حال افراط یا تفریط» ﴿**لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطاً أَوْ مُفَرِّطاً**﴾ (نهج‌البلاغه، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸: ۲۱۶).

از سوی دیگر، «تنبیه جاهلانه» افزون بر ظلم به خود، مصداق ظلم به دیگران و تضییع حق‌الناس نیز هست. درواقع تنبیه‌کننده‌ای که آگاه به آداب و اصول تنبیه نباشد و عالمانه و عادلانه تنبیه نکند، مسئول عمل خویش است و در دنیا دچار مکافات عمل خویش می‌شود و در آخرت بازخواست می‌گردد و باید پاسخگوی فعل خویش باشد، چنانچه در قرآن کریم آمده است: ﴿**وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ**﴾ (صافات، ۲۴) «آن‌ها را نگاه دارید که مسئول‌اند و باید بازخواست شوند» (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۷۸).

پیشنهادها

تنبیه یکی از سازوکارهای اصلاحی و تربیتی است که از یک‌سو برای نفس آدمی ناخوشایند است و از سوی دیگر در عموم سازمان‌ها و محیط‌های آموزشی و حرفه‌ای اجرا می‌شود. یافته‌های این تحقیق نشان داد که بر اساس آیات الهی و کلام و سیرهٔ علوی، تنبیه دارای «اهداف»، «آداب و اصول» و «روش‌های متعدد» است؛ از سوی دیگر تنبیه غیرعالمانه و غیرعادلانه «آفات و آسیب‌های متعددی» در پی دارد که به‌منظور پیشگیری از آن آفات و آسیب‌ها، لازم است که آداب و اصول تنبیه و انواع روش‌های مؤثر و متناسب، شناخته و به‌درستی و دقت اجرا شوند. ازاین‌رو موارد زیر به‌عنوان پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی ارائه می‌گردد:

- به‌روزآوری تنبیه‌های مندرج در آیین‌نامه‌های انضباطی آموزش و پرورش و وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و سیره علوی.

- تهیهٔ محتوای آموزشی در مورد تنبیه صحیح و سازنده، با رویکرد قرآنی و روایی و ارائهٔ آن به‌دست‌اندرکاران نظام‌های آموزشی و تربیتی کشور.
- برگزاری دوره‌های آموزشی و توجیهی با موضوع «تنبیه صحیح و سازنده» برای دستاندرکاران نظام‌های آموزشی و تربیتی کشور از قبیل مدیران و معلمان آموزش و پرورش و دستاندرکاران نظام آموزش عالی.
- سنجش و پیمایش میدانی عملکرد مربیان و بررسی وضعیت آگاهی و توجه مدیران، آموزش‌دهندگان و دستاندرکاران نظام‌های آموزشی و تربیتی کشور در موضوع تنبیه و نحوهٔ اجرای آن و سنجش میزان تطابق عملکرد آنان با معیارهای اسلامی و لحاظ کردن این موضوع در برگهٔ ملاک‌های ارزشیابی عملکرد سالانه.
- انجام یک پژوهش تطبیقی با موضوع تنبیه در آموزه‌های دین اسلام و دیگر ادیان آسمانی.
- انجام اقدام‌پژوهی در خصوص تنبیه صحیح و سازنده توسط معلمان و دبیران کشور و انتشار گزارش اقدام‌پژوهی‌های انجام‌شده در سطح آموزش و پرورش کشور.

محدودیت‌های تحقیق

- دسترسی به منابع اصیل در زمینهٔ موضوع تحقیق، یکی از محدودیت‌های این پژوهش بود. برای رفع این محدودیت، تعدادی از نرم‌افزارهای مرتبط با موضوع را تهیه نمودیم، و پس از تهیهٔ فهرستی از منابع موردنیاز، برای بهره‌مندی از منابع اصیل به تعدادی از کتابخانه‌های بزرگ تهران و قم مراجعه کردیم.
- کم‌بودن تحقیق‌های کیفی و روشمند که به‌صورت اختصاصی و با رویکرد قرآنی و روایی به موضوع تنبیه پرداخته باشند، یکی دیگر از محدودیت‌های این تحقیق به‌شمار می‌رود. برای رفع این محدودیت سعی کردیم در بررسی ادبیات تحقیق در سندهای قرآنی و روایی و نیز در مطالعات محققان پیشین، همهٔ

موارد جزئی که به مقولهٔ تنبیه مربوط می‌شد را در قالب فیشِ تحقیق، گردآوری و مورداستفاده قرار دهیم.

در پایان لازم به ذکر است که مهم‌ترین محدودیت این تحقیق، محدودیت درک و قلّت توان نگارندگان در برابر عظمت قرآن و کلام امیرمؤمنان بوده است. در این پژوهش، محققان با بضاعت و مایه‌ای‌اندک، وارد دریای خروشان و بی‌کران مفاهیم قرآنی و کلام علوی شدند؛ ازاین‌رو بر عجز خود در صید گوهر معانی اقرار می‌نمایند و سایر پژوهشگران را به‌منظور «تکمیل الگوی ارائه‌شده»، به یاری می‌طلبند. مسلماً با نیرو و کار جمعی، بهتر می‌توان حق مطلب را ادا نمود.

منابع

قرآن کریم. (۱۳۸۳). بر اساس ترجمهٔ حسین انصاریان، قم: اسوه.[1]

نهج‌البلاغه. (۱۴۱۴ق). شریف‌الرضی، محمد بن حسین، محقق صبحی صالح، قم: هجرت.

نهج‌البلاغه. (۱۳۷۸). شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ترجمهٔ شهیدی: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم.

نهج‌البلاغه. (۱۳۷۹). شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ترجمهٔ دشتی، قم: مشهور.

نهج‌البلاغه. (۱۳۸۸). شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ترجمهٔ حسین انصاریان، قم: دارالعرفان.

نهج‌البلاغه. (۱۴۰۴ ق). شرح نهج‌البلاغة لابن أبی‌الحدید. تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ۲۰ جلدی، قم: مکتبة آیةالله‌المرعشی‌النجفی.

آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. (۱۳۶۶). *شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم*. به‌کوشش جلال‌الدین حسینی ارموی محدث. ۷ جلدی. تهران: دانشگاه تهران.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). *تحف‌العقول*. به کوشش علی‌اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.

ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس‌اللغة*. به‌کوشش عبدالسلام محمد هارون. ۶ جلدی، قم: مکتب‌الاعلام‌الاسلامی.

اتابکی، پرویز. (۱۳۷۶). *رهاورد خرد* (ترجمهٔ تحف‌العقول). تهران: نشر و پژوهش فرزان روز.

امیری، مهناز. (۱۳۹۴). *تشویق و تنبیه در آیات و روایات*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه پیام نور.

بستانی، فؤاد افرام. (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*. ترجمه رضا مهیار. تهران: انتشارات اسلامی.

پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۶۳). *نهج‌الفصاحه* (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص). تهران: دنیای دانش.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*. مصحح و محقق: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات.

جهانگرد، یدالله. (۱۳۷۱). *تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی*. مجلهٔ پیوند، شماره ۷۲، صص ۱۳- ۱۵.

حسینی، داود. (۱۳۸۵). *اصول حاکم بر روش تشویق و تنبیه در تربیت اخلاقی*. مجلهٔ مطالعات فقه تربیتی، شماره ۱، صص۱۱۹- ۱۳۴.

حسینی طهرانی، سید محمدحسین. (۱۳۸۹). *شرح رسالهٔ سیروسلوک منسوب به بحرالعلوم*. مشهد: نور ملکوت قرآن.

حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی و علی حکیمی. (۱۳۸۰). *الحیاة*. ترجمهٔ احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

سید علی‌پور، سید خلیل. (۱۳۸۳). *نقش تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی*. مجلهٔ پژوهشگر، شمارهٔ ۱، صص ۹۴ - ۱۰۶.

سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). *روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش*. تهران: دوران.

شریفی، عنایت‌الله؛ جعفری نسب، سید حسین. (۱۳۹۴). *روش‌های قرآنی در پژوهش‌ها اخلاق با استفاده از توصیفی و تحلیلی*. پژوهشنامهٔ معارف قرآنی، ۶ (۲۳) ۲-۲۵.

۱. در مورد ترجمهٔ آیات قرآن کریم، در این مقاله بیشتر از ترجمهٔ «استاد حسین انصاریان» استفاده شده و در غیر این‌صورت، به مأخذ ترجمه اشاره شده است.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *ترجمهٔ تفسیرالمیزان*. ترجمهٔ محمدباقر موسوی، ۲۰ جلدی، جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم: چاپ پنجم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۵). *ترجمهٔ تفسیر جوامع‌الجامع. ۶ جلدی*، مترجمان: علی عبدالحمیدی، اکبر غفوری، احمد امیری شادمهری، عبدالعلی صاحبی، حبیب روحانی. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

فولادوند، محمدمهدی. (۱۴۱۸ق). *ترجمه قرآن*. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ سوم.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

---------- . (۱۳۹۷). *مهارت‌های معلمی*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ سوم.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لأحکام‌القرآن*. تهران: ناصر خسرو.

قوچانی، نظام. (۱۳۸۰). *شیوه‌های تشویق و تنبیه در قرآن*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، استاد راهنما محمدحسین برومند، دانشگاه آزاد اسلامی.

کاشانیها، کبری. (۱۳۷۷). *تشویق و تنبیه از دیدگاه قرآن کریم*. تهران: رامین.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. به‌کوشش علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. ۸جلدی، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، چاپ چهارم.

متقی‌زاده، عیسی؛ شه‌بخش، آزاده؛ روه، نجمه. (۱۳۹۶). *بررسی روش تربیتی تشویق و تنبیه بر اساس آیات قرآن کریم*. سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزهٔ علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*. ۱۱۱جلدی. بیروت: دارإحیاءالتراث‌العربی.

مرجانی خلیل‌آباد، زهرا. (۱۳۸۷). *نقش تنبیه در تربیت از دیدگاه اسلام*. مجلهٔ پیام زن، شماره ۲۰۱.

مردانی، مهدی. (۱۳۹۰). *جایگاه تشویق و تنبیه در مدیریت علوی با تأکید بر نهج‌البلاغه*. فصلنامهٔ پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شمارهٔ ۳۱.

مسدد، سید علی‌اصغر. (۱۳۷۵). *تشویق و تنبیه، انواع، اهداف، روش‌های اجرا و نتایج ممکن*. رشد معلم، شمارهٔ ۱۲۴، صص ۶۲-۶۷.

مشکینی اردبیلی، علی. (۱۳۸۱). *ترجمه قرآن* (مشکینی). قم: نشرالهادی، چاپ دوم.

معین، محمد. (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی معین. شش‌جلدی*، تهران: امیرکبیر، چاپ سیزدهم.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، چاپ دوم.

ملکی تبریزی، میرزاجواد. (۱۳۸۸). *رسالهٔ لقاءالله*. قم: بیدار.

ممتحن، مهدی. (۱۳۹۱). *واکاوی نگاره‌های تعلیمی تربیتی تشویق و تنبیه در آثار سعدی*. پژوهشنامهٔ ادبیات تعلیمی، ۴ (۱۵)، ۱۵۷-۱۷۶.

میلتن‌برگر، ریموند. (۱۳۹۴). *شیوه‌های تغییر رفتار*. ترجمهٔ علی فتحی‌آشتیانی و هادی عظیمی‌آشتیانی. تهران: سمت.

هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله. (۱۴۰۰ق). *منهاج‌البراعة فی شرح نهج‌البلاغه* (خوئی). ترجمهٔ حسن حسن‌زاده آملی و محمد باقر کمره‌ای. محقق و مصحح: ابراهیم میانجی. ۲۱جلدی، تهران: مکتبةالاسلامیه.

الهیثمی، أبوالحسن نورالدین. (۱۴۱۴ق). *مجمع‌الزوائد و منبع‌الفوائد. ۱۰ جلدی*. به‌کوشش حسام‌الدین‌القدسی. قاهره: مکتبةالقدسی.